

فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران

هدار، کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به همه نیروهای انقلابی در همین شماره چاپ شده است. چنانکه در این همدار گفته شده، توطئه خطرناک جدیدی در داخل و خارج کشور در شرف تکوین است.

عمل چابکتر امپریالیسم و مپیوتسم قصد دارند اینبار غرب و جنوب کشور را به اشغال درآورند و از آن پایگاه به انقلاب ایران هجوم برند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران همزمان با دعوت همه نیروهای انقلابی به اتحاد عمل در جنبه متحد خلق بنوبه خویش تمام نیروهای خود را در اختیار رهبری انقلاب می گذارد.

کنز چارچوت این سیاست اصولی، از همه اعضا و هواداران حزب دعوت میکنیم در هر جا که هستند به سازمانهای بسیج مراجعه کرده و برای دفاع از انقلاب آماده شوند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ تیر ۱۳۵۹



هفته هفتم، سال دوم، شماره ۲۸۵
پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۲۰ ریل

کمیته مرکزی حزب توده ایران:

ماهشدار

میلدهیم!

- توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است.
- خوزستان و مناطق ساحلی خلیج فارس در خطر اشغال از راه هوا، زمین و دریاست.
- بخاطر نجات انقلاب باید به هرگونه روبرویی داخلی و چند دستگی پایان دهیم.
- باید هرچه زودتر همه نیروهای ضدهمپریالیستی و مردمی را بدور دولت انقلابی بایرنامه‌های انقلابی گرد آورده.
- باید همه عناصر ضدانقلاب را بی تزلزل قلع و قمع کرد.
- حزب توده ایران تمام نیروهای خود را در اختیار رهبری انقلاب میگذارد.

هم دادند تا انقلاب ایران را به شکست بکشاند. ادامه هرگونه تشنج، هرگونه چنددستگی و هرگونه روبرویی داخلی، میدان دادن و دامن زدن به هرگونه نقاب افکنی، هرگونه انحصار طلبی آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران میریزد. حزب توده ایران از همه نیروهایی که انقلاب شکوهمند خلقی مان را صادقانه گرامی میدانند میخواهد که به هرگونه روبرویی داخلی خاتمه دهند و به هرگونه خودسری و لجام گسیختگی گروههای بی مسئولیت در این جهت پایان بخشد و با تشکیل جبهه‌های متحد، در جهت بسیج همه نیروها، علیه این توطئه شوم و خطرناک اقدام نمایند.

حزب توده ایران امیدوار است که مانند همیشه در لحظات حساس رهبر انقلاب ایران امام خمینی، کلام پرنفوذ خود را برای پایان بخشیدن به دعوی قدرت در مقامات حاکم ایران بکار اندازند تا هرچه زودتر دولت انقلابی با برنامه‌های انقلابی در جهت گردآوری همه نیروهای ضدهمپریالیستی و مردمی تشکیل گردد و کشور از این بلا تکلیفی و ملوک الطوائفی در سطح اداره کشور نجات یابد.

حزب توده ایران انتظار دارند که با سرعت و قاطعیت محاکمه انقلابی شرکت کنندگان در توطئه طیس و توطئه اخیر آغاز و خاتمه یابد و هر کس بقایای شبکه توطئه بایگیری و بدون اغماض و دودوار هرگونه اعمال نفوذ ادامه یابد.

مردم خواستارند که دادگاه انقلاب همه آن کسانی که خائنین شرکت کننده در این توطئه را پس از یکبار اخراج از ارتش دوباره به ارتش بازگردانده‌اند مورد پیگرد قرار دهند و از میان آنان عناصر وابسته به توطئه را که هنوز با ماسکهای انقلابی و اسلامی به انقلاب خیانت میکنند شناسایی کرده و به جازات برسانند.

بدون قلع و قمع بی تزلزل عناصر ضدانقلاب پیروزی بر آن غیر ممکن است.

حزب توده ایران یکبار دیگر، همزمان با دعوت به وحدت همه نیروها، همانطور که در تمام دوران انقلاب عمل کرده است تمام نیروی خود را در اختیار رهبری انقلاب می گذارد و از هیچ کوششی برای تکمیل ساختن تلاشهای دشمنان انقلاب فروگذار نخواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۵ تیر ۵۹

دومین توطئه دامنه دار و بسیار خطرناک همپریالیسم و صهیونیسم و ضد انقلاب ایران و منطقه با شکست روبرو گردید. گردانندگان و مجریان توطئه در ایران بخشی دستگیر و بخشی مخفی و فراری گشته‌اند. ولی همانطور که حزب توده ایران پس از عقیم ماندن توطئه کودتایی در اردیبهشت ماه در ارتباط با تجاوز نظامی آمریکا در طیس ارزیابی کرد، نیروی اساسی ضد انقلاب در درون ایران دست نخورده باقی مانده است. این نیرو می تواند در پیوند با نیروی ضد انقلاب که در خارج ایران، در عراق و مصر و عربستان سعودی تمرکز یافته و آماده تجاوز است، هر لحظه بطور خطرناک وارد عمل شود. توطئه ضد انقلاب شکست خورده ولی بهیچوجه ریشه کن نشده است. همپریالیسم آمریکا و دستیارانش در اروپا، شرق دور و در منطقه با هرناکاهی هارتر و متجاوزتر میشوند و مانند سال ۱۳۳۲ پس از شکست هر توطئه بلافاصله تدارک توطئه‌های برداشته‌تر و خطرناکتر را می بینند.

خبرهای رسیده از مراکز فعالیت ضد انقلاب در اروپا و گروههای وابسته به ضدانقلاب در ایران تأیید کننده این واقعیت است که توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است.

در این توطئه پیش بینی شده است که با همکاری نیروهای ارتجاعی در جنوب و غرب ایران نیروهای ضربتی از افسران طاغوتی و ساواکیهای فراری و دستهای مزدور که در عراق و مصر و عربستان سعودی آماده شده‌اند از راه هوا و زمین و دریا خوزستان و مناطق ساحلی خلیج فارس را به اشغال درآورند و بایبوندادن این منطقه با مناطقی که اکنون در کردستان در اشغال گروههای ضد انقلابی است پایگاه وسیعی برای نقشه‌های تجاوز کارانه بعدی بوجود آورند. در جریان تدارک کودتای شوم ۲۸ مرداد هم یک چنین نقشه احتشالی مطرح بود، چیزی که عینا در کتاب منتشره از طرف ارتش آریاهری بنام «رستاخیز ملی» مشروحا بیان گردیده است. انجام این نقشه احتمالی توأم خواهد بود با اقدامات شرارت آمیز و خرابکاری پر دامنه از طرف گروههای مسلح سازمان یافته ساواکیها و افسران باز نشسته و سایر سرسپردگان و وابستگان به همپریالیسم.

همه نیروهای همپریالیستی، همه تسلیم طلبان و سازشکاران، همه خرابکاران و مزدوران در ایران و خارج دست بدست

حمله به دفا تر حزب توده ایران به سود ضد انقلاب است

از شهرستانهای کشور خبرهای زیاد و مکرر می رسد، تایر بر اینکه گروههای غیرمستول، که در میان آنان عناصر متکونک و چنانداران حرفه‌ای نیز دیده میشوند به دفا تر و کنه روشیهای حزب توده ایران حمله میکنند. در رشت عناصر ناشناس پس از چند بار تهدید تلفنی در روز صبح لاریجکی در دفتر سازمان یابی گیلان ترکانده، در گرمسار دفتر حزب را غارت کرده و پوای صندوق کمک به حزب را هم با خود برزده، در کرمانشاه پس از چند شب حملات دیوایی به دفتر حزب کتابها و کاغذها را سوزانده...

جدی تر از همه حادثه‌های است که در اصفهان رخ داده است. گروهی که خود را مجربان مسلمان پیرو خط امام، مینامند، از پشت پرده خانه حسابه وارد دفتر حزب توده ایران شده و آنرا اشغال کرده و تنی چند از دفتری حزب توده ایران را مدتس «گریکن» گرفته‌اند. روزنامه محلی حرکت، این عمل را خلاف قانون اساسی دانسته و آنرا محکوم کرده است. حزب جمهوری اسلامی اصفهان نیز این اقدام را محکوم دانسته و سخنکری حزب به غیرکرد حرکت گفته است:

«بر اساس اعتقاد کامل به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معتقدیم آزادیهای تصریح شده در قانون اساسی باید بطور کامل عینین شود و اگر گروه یا افرادی خارج از آزادیهای قانونی عملی یا توطئه‌ای انجام داده باشند مسئولین وقت مملکت باید رسیدگی کنند. لزوم حفظ امنیت اجتماعی را در زمان خاص کنونی با توجه به فرساین رهبر انقلاب شدیداً لازم میدانیم.»
بقیه در صفحه ۱۱

اعلامیه کانون دانش آموزان ایران
باهشیاری انقلابی
توطئه‌های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب را خنثی کنیم!

کانون دانش آموزان ایران شکست توطئه کودتای امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب را به همه مردم مبارز ایران، امام خمینی رهبر انقلاب، پاسداران و کمیته‌های جان‌پور کف و سازمان‌های سیاسی که در کشف این کودتا نقش مؤثر داشتند، جوانان و نوجوانان لیریک می گوید.
دانش آموزان و نوجوانان انقلابی!
در طول بازنده مسا کشته بقیه در صفحه ۲

نظر در باره پاکستان

قطب زاده - وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران:
اعتقاد ندارم پاکستان کاملاً وابسته به آمریکا است (۵۹/۴/۴ - کیهان)

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان: سفارت پاکستان در تهران وظایف لانه جاسوسی امریکارا انجام میدهد

نهضت انقلاب اسلامی پاکستان، طی اطلاعیه‌ای هشدار داده است که در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بیت های این جاسوسخانه به سفارت پاکستان، در کشور جمهوری اسلامی ن واگذار گردیده است و هم اکنون از طریق همین سفارتخانه عوامل «سیاه لرم تدارک توطئه‌های خائنه، و شایعه سازی علیه نهضت‌های اصیل و انقلابی مانان در منطقه میباشد. نهضت انقلاب اسلامی پاکستان» در اطلاعیه خود نشان کرده است: امپریالیسم جهانخوار آمریکا که برای حفظ منافع خود سالیان دراز بر خاورمیانه و کشورهای منطقه خلیج فارس حکمروائی نموده، امروزه باز دست دادن ایران بعنوان حامی امپریالیسم و شکست طاغوت شاه خائنه - بوحشت افتاده و منافع حیاتی خود را بویژه با گسترش نفوذ ین در خطر می بیند و بهمین جهت برای پر کردن خلاء ایران و سرکوب آنان میخواهد، ضیاء الحق را جانشین «شاه» سازد و آقا شاهی را بجای نیززاهدی، مامور فعالیت‌های تبلیغی و مخربانه خود در منطقه نماید.

ارتش انقلابی، آری! - ارتش توطئه گر، نه!

در صفحات بعد	از نورالدین کیانوری دیور اول کمیته مرکزی حزب توده ایران: امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ماشین عظیم و جهنمی خود را علیه انقلاب ایران به راه انداخته است
اعلامیه سازمان حزب توده ایران در نقده درباره تشدید فعالیت ضدانقلاب	در پاسخ به پیشنهادهای فرادانی که به دبیرخانه حزب رسیده است نامه مردم، هر هفته روز پنجشنبه یکی از مقالات تحلیلی منتشره ماهنامه «دنیاء» نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران را به چاپ خواهد رسانید. امروز سرمقاله شماره ۵۹/۲ را که در پرتو واقیبات درمیان که از انتشار مقاله گذشته وویژه کودتای شوم و دردم شکسته شده همدان و تدارک حمله وسیع و خطرناک تازه، فعلیت فراران یافته و درستی تحلیل‌های حزب‌ما را نشان میدهد چاپ میکنیم و توجه خوانندگان را به پیرومهای کوناگون عمل امپریالیسم آمریکا جلب مینمائیم. صفحات ۷۵۶
گروهک ضدانقلابی - مائوئیستی رنجبران مدافع جاسوسان سیا و عوامل کودتا	کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم درسهایی از تاریخ - صفحه ۳
مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران کشف شد	
بررسی اسناد لانه جاسوسی امریکا	
دولت باید برای تهیه مواد اولیه شتاب کند	
باشهری آشنا بنام قصر شیرین آشنا شویم	

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم

(این می‌تواند: (زمنیکه تأثیر ایدئولوژیک بورژوازی بر کارگران کاستی می‌گردد آننگاه که در شالوده های آن نرزه می‌افتد و ضعیف می‌شود بورژوازی همیشه و همهجا بزرگترین دروغها و خشن‌ترین افتراات کوسل می‌گوید و خواهه چیست...)

و کیتر و یا استبدادترین مبلغ امپریالیسم فاسد، جنایت پیشه و غارتگر انسان، که بر اساسین مصلحت این دروغها و خشن‌ترین افتراات و دها می‌پوشانند. انسان را به مسلح فرستاد و در ایجاد بزرگترین فاجعه تاریخ بشری یعنی جنگ جهانی دوم، نقش برجسته داشت و منتقد بود که: «دروغ هرچه بزرگتر باشد تأثیر قویتری خواهد داشت».

این روش، یعنی توسل به اسلوب گویازی و زشت ترین دروغها و خشن‌ترین افتراات و آنگون پایه و اساس مبارزه ایدئولوژیک و تبلیغاتی «جهان آزاد» را علیه مبارزات انقلابی خلفای

بی‌باخته و طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و نیز طبقه سوسیالیسم یعنی علیه کلیه نیروهای انقلابی جهان امروز و تشکیل می‌دهد و این «مبارزه» همزمان با گسترش جنبش‌های انقلابی، شکستنی روزافزون سوسیالیسم وجود پیروزیهای بی‌دور آه، همزمان با گسترش طبایع ناشی از نظام بوسیده و ضد انسانی سرمایه داری، هر روز بیشتر در این بافان عفن فرو می‌برد.

ویژگی مبارزات طبقاتی کنونی جهانی، آنستکه در این مبارزه کارزار ایدئولوژیک هر آن از اهمیت و وزن بیشتری نسبت به دو شکل دیگری شکل اقتصادی و سیاسی برخوردار میشود. گسترش مقاومت توده‌های به سویان نشسته در قبال فزاینده سرمایه داری، گسترش شبکه تبلیغاتی تا دورترین زوایای دور افتاده‌ترین مناطق و این شکل از مبارزه اهمیت و وزن قویتری داده است و امپریالیسم می‌کوشد با نابیند کشیدن اذهان توده‌ها از نیروی مقاومت آنها بکاهد و اتحاد نیرو های انقلابی را



مردم و ریخته است. بپوده نیست که تبلیغات مخرب و کاذب شکست آور امپریالیسم، همچون مشاین مذکور که از رسانه‌های امپریالیستی، نشر می‌یابد، اینگونه دانه و برد کسب می‌کنند و بپوده نیست که امپریالیسم، ملیرم فعالیت گسترده و پرآمان برای نابود کردن دستاوردهای انقلاب ایران، چنی با جدیت و بخش و نشر هر چه گسترده‌تر آنها می‌کوشد.

مطلو در این جنبه از فعالیت‌های امپریالیسم چنین است: مضامین فوق توسط خبرگزاری‌های امپریالیستی تکرار و منتشر می‌شوند، عوامل مزدور و امپریالیسم و روشنفکران پیرو مشی امپریالیسم پارتی‌های عفن تسلط نرهنگی امپریالیسم آنها را چون طعمی لذیذ می‌پارند و آنها را به دوستی پیش می‌کنند. توده‌های ناکام و نیروهای سستول، صادق ولی کم‌آگاه که اذهان آنها دها سال در هوای مسوم این تبلیغات نفس کرده‌اند و هنوز از پدیده‌ها و پیش‌اوردهای آنها بی‌خبرند و با نتیجه فعالیت‌های امپریالیسم و همال آن برای براندازی دستاوردهای انقلاب در برده می‌مانند و یابرجست نمی‌شود. اذهان جالبی دشمنان موهمی که در واقع دوستان حقیقی هستند، منحرف می‌شوند و دشمن از سستی و فلت ناشی از انحراف توجه توده‌های مردم و مستولان و بی‌نتیجه عدم آمادگی کامل آنها برای مقابله با دشمن اصلی و واقعی بهره می‌گیرد و میکوشد تا ضریب کاری را وارد آورد.

این روشی از آزمون گذشته است و امپریالیسم و ادیبان سرمایه در این امر، تجربه دیرینای دارند.

«خطر کمونیسم»، سابقه تاریخی

زمنیکه مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ مانیفست حزب کمونیست را انتشار دادند، مدتی بود که اروپایان سرمایه بسا احساس خطر جدی از جنبه طبقه کارگر رویه‌وشجهانی و نیز ایدئولوژی ملی و باستانفاده از امرهای قدرت سرمایه که سراسر جهان را در اختیار خود داشت، تبلیغات وسیعی واقعیه کمونیسم آغاز کرده بودند. آنها کمونیسم را با کاذب عجیبی که در مورد آن ساخته بودند و بمردم جهان معرفی می‌کردند و در واقع آنچه را که آنها بعنوان کمونیسم به جهانیان می‌نمایاندند، چیزی جز هیولای درنده‌دانه، صاحب تمام ممالک، زمین و غیر انسانی، که در واقع خصائل فرهنگ سرمایه بود، نبود. مارکس و انگلس بر آن شدند تا کمونیسم واقعی را در مقابل «شیخ کمونیسم» که اروپایان سرمایه از آن ساخته بودند، قرار دهند و نظریات واقعی کمونیسم و بایرمد جهان معرفی کنند.

«کمونیسم» که جنبشگران، غارتگران و استثمارگران جهان سرمایه، بمردم معرفی می‌کردند، هیولای بود با چهره‌ای پشت دهشتناک، موها و لیسلی ژنده و ژولیده که کاردی برای دیدن اندام مردم پدهان داده، طنایی برای بسار آویختن آنها، بلدست گرفته، فسد دارد. با زبان و اشتراکی‌کننده آزادی و اال میان بردار و ترس و وحشت برجهان حاکم کند. آنها در واقع چهره کربه خود را بجای «کمونیسم» بمردم معرفی می‌کردند و در ایزه از فعالیت مخرب روهبانی که تحت لرای مبارزه با «سرمایه داری» به این مبارزه زبان می‌زدند. چون آتارشیست‌ها، ماتولیست‌ها و ترویسیت‌ها، نیز برای کربن‌نشان دادن این چهره، بحد کافی بهره می‌بردند.

اما کمونیسم واقعی، دوست نظمه مقابل این لصور بود، کمونیسم واقعی دشمن بی‌دلتی، استثمار و حشیانه و ستم و خفتان سرمایه بود. کمونیسم مگرکس و انگلس و لنین و در مقابل مردم دورنمای جهانی را علی ای فزاینده سرمایه می‌گمشت و جامعه‌ای بدون بیگاری و گرسنگی، فقر، فحشا و بیماری، جامعه‌ای که دوان برای اولین بار در تاریخ جوامع طبقاتی و زدن و در برابر باشند، جامعه‌ای که به دولتی‌استثمارگر و استثمار شده، تقسیم نشده باشد و زوال‌های جامعه‌پدیدار بر توده و زحمتکش و بی‌خانمان مردم، حاکم نباشد. انسان و انسان باشد و تواناند از حقوق برابر با دیگر انسانها برخوردار باشد، مارکس و انگلس و لنین مردم را به مبارزه برای دستیابی به چنین جامعه‌ای دعوت می‌کردند و بهمین دلیل اروپایان سرمایه‌دوار این چنین برده‌اند.

اما آنها کمونیست‌ها نبودند و نیستند که برای دستیابی به عدالت اجتماعی، از میان بردن فقر، بیماری، گرسنگی، فحشا و خفتان یعنی بلایای جوامع سرمایه‌داری می‌گردد و

خطر از جانب شوروی است» (امپریالیسم بعد از سرمایه‌داری است) «امریکا و شوروی علیه انقلاب ایران سازش کرده‌اند» «ایران پسوی کمونیسم می‌رود» «خطر از جانب کمونیست‌ها است» «امام خمینی کمونیست است» (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، کمونیست‌ها) «توده‌های ما می‌بندند...» اینها مضمون اصلی تبلیغات امپریالیستی است که با پیگیری و گوشش نام و تمام ویکنه‌های دیوانه‌وار از جانب کلیه دستگاههای خبری و تبلیغاتی امپریالیسم و نیز کلیه سخنگوییان، نمایندگان و پادوهای انحصارات امپریالیستی، ترویج و تبلیغ می‌گردد. این تبلیغات پیروزه در نگاهم رشد و گسترش انقلاب ایران و شدت وحدت خاص یافتند و اکنون پیروزه در پی تمیق و متحد کلیه امپریالیست‌ها و اعمال آنها برای سرنگون کردن جمهوری نوپای اسلامی ایران، یکنه‌های بی‌سابقه تشدید گردیده است.

این روش‌های جدید نیست و قدمتی یکصد و پنجاه ساله دارد. در طول تاریخ دوران اخیر جنبش‌های آزادیخواهانه و استقلال طلبانه مردم رنجیده و تحت سلطه، هر زمان که خلفای بی‌باخته و «خطر» منافع خون آلود و فاسد استعمارگران و امپریالیست‌ها را تهدید می‌کرد، همین مضامین و تبلیغات، چون رگبار پیروزی آنها باریدن گرفتند. این تبلیغات، سرمایه‌های و پیش‌اوردهای ریشه‌دار در ذهن توده‌ها و رهبران ملی و میهن‌پرست و نفوذی خود، خلفا از متحدین و دوستان ضد امپریالیست خود در عرصه جهان جدا کردند، متفرد بودند و سرانجام در صورت تحقق این هدف شوم و شیطنانی، با دستان توطئه دشمنان واقعی خود یعنی لاشخوران دنیای سرمایه، بخون بظلمند و دیگر یار سیره شوم امپریالیسم و آبرودش خود متحمل شوند.

امپریالیست‌ها در طول دها سال تسلط پامناوع خود بر سرزمین‌ها و خلقها، می‌کوشیدند و هم‌چیز را پسایق مورد نظر خویش سامان دهند، خلفا را فراتر و بوعوجیهانه‌ترین شکل استثمار کرده‌اند، تروهای طبیعی آنها را به بنیابرده‌اند و می‌وزات آن برای مقابله با مقاومت اجتناب ناپذیر توده‌های زحمتکش، ارتش و دستگاههای سرکوب ساخته‌اند و از جمله تلاش ورزیده‌اند تا آندیشه آنها را به پشه‌کشد و مسوم سازند. امپریالیست‌ها با ترویج بیگانه فرهنگ امپریالیستی، خلفای دربرند و تحت سلطه را لره ذره به مسوم دروغ، ترور و تبلیغات مخرب خود، مسوم ساخته‌اند و تلاش ورزیده‌اند تا روشنفکران این جوامع را با فرهنگ منحل خود که «جهان آزاده و راه‌پرسن جوامع معرفی می‌کند و آنرا ای‌دی می‌نامند پرورش دهند. اذهان روشنفکران و مردم را با کاذب گسترده خویش نسبت به اردوگاه سوسیالیسم، چون هوا احاطه کنند، آنها را بادیبیتی و پیدوستای نسبت به پیگیری دشمنان امپریالیسم، متدین و دستاور واقعی مردم مبارز و زحمتکش ضد امپریالیست، بی‌پایانند تا سرانجام در لفظات حساس بتوانند از نیروی مادی که برانی این مسومیت مومن‌تکری حاصل می‌شود، بهره‌برداری کنند و از فعالیت مبارزه توده‌های مردم و رهبران آنها علیه سیره امپریالیستی، بکاهد.

در واقع امپریالیست‌ها و کنتزار خود را دور می‌کنند، کشزوری از ملقهای هرز مودی که تخم شیطنی آنرا طرساها سطر و تسلط (هرمیتی) در اذهان مردم و رهبران ملی کاشته‌اند. ملقهای سرزشتت، سردگمی، سوهن و بدبینی نسبت به نیروهای که با خلفای سرمایه‌داری آرمای مشترکی دارند، آرمای نابودی امپریالیسم.

تسلط امپریالیسم بر کشورهای محروم و تنها به تسلط اقتصادی و نظامی و سیاسی خلاصه نمی‌شود اهواریان ریشه هفن از خود به سراپای جامعه میدوایند و تان ریشه که برخی از آنها بشتاد سخت جان و دیر با هستند بکلی برکنده ننمودند، فعالیت مخرب امپریالیسم برای بازگرداندن دوران استیلا داشته، همچنان ادامه خواهد یافت و ای بسا تلاشهای شوم او به موفقیت نیز بیانجامد. یکی از این ریشه‌های مفر، تسلط فرهنگی است که شنبدا مقاوم و سرسخت است.

امپریالیسم در طول دها سال تسلط خود بر کشورها، هزارها روشنفکر پیروز خط خود تریب کرده و زهر سردگمی و نابامانی در افکار توده‌های عمیقاً ضد امپریالیست و دادخواه

درسهائی از تاریخ

تخصایمن پامنا شد که سرمایه‌داری جهانی، یعنی نظام فاسد جهانی‌تکاد و ضد انسانی که برجهان حاکم بوده کمونیست‌ها را بعنوان بیکبرترین دشمنان خود، آماج تبلیغات و تضيقات دیوانه‌وار و خصمانه قرار دهد. آنها را بیربازار کند، به‌دایر بیابازد، نگه‌کنه سازد، هرکس را که در مبارزه بانظام جابرا نه وی، پیگیری مردانکی و استقامت بخرج دهد، «کمونیست» بخواهد و همزمان «کمونیسم» را بعنوان «شریرترین»، «ضد انسانی‌ترین» و «کشی‌ترین» موجود، تصویر کند و بکوشد تا مردم را نسبت به «کمونیسم» یا هر آنچه بانظام حاکم فاسد موجود مخالفت می‌وزد، بدین ساد.

این دلیل واقعی کینه دیوانه‌وار جهان‌سرمیه نسبت به کمونیسم است. تاریخ مبارزات یکصد و پنجاه سال اخیر نشان داده است که جنبش‌کارگران و روشنفکران جهانی در نفرت و خصومت خود از کمونیست‌ها، بظلمت نرفته‌اند. کمونیست‌ها طی این دوران خودنای تاریخ، هواره‌بگیری و استواری خود را در مبارزه با نظام سرمایه‌داری تثبیت رسانده‌اند. از هیچگونه چابازی و نذاری برای تحقیر آرمانهای انسانی درین نگرده‌اند و میلیون‌ها کاری می‌نمودند تا این مبارزه سترک، به‌پناه سمدت و بی‌بختی خلقهای جهان، احدا کرده‌اند.

اما مبارزه که قبل از ذکر شد، امپریالیسم، اروپایان سرمایه و نظام غارتگر سرمایه‌داری، در مبارزه با حفظ تسلط امریسی خویش بر خلقها، تنها با کمونیست‌ها روبرو نیسود و هستند. در طی تاریخ جوامع طبقاتی، پس پیش از آنکه نظام سرمایه‌داری و جهان بینی سوسیالیسم علمی، پدید آید، بوند پس انسانها که با آرمانهای عدالت خواهانه و انسان‌دوستانه، با بلای سرشار از مشق به انسانیت، برای برابری و عدالت، به‌مرجه سرور باجباران خونخوار کام نهادند و مصلحت‌دوستانایی از ارادگی و چابازی بخاطر آرمانهای انسانی در تاریخ برسی، به‌داد. آنها، «بهشت‌گارتگران و جنبش‌کاران را متزلزل ساختند. اسپارنا-سها، کاوه‌ها، مزدک‌ها در تاریخ فراوانند. در دوران پس از پیدایش سرمایه‌داری و مارکسیسم نیز بوند. یاسکان که با ایده‌های والای انسانی، به‌مبارزه بانظام غیر عادلانه سرمایه‌داری برخاستند و «جهان آزاده» را لرازانند.

امام خمینی، رهبر بزرگ انقلاب ایران از برجسته‌ترین این نمونه‌هاست. مبارزات فاطمیه و بیکری او، آنچنان ضریب‌های برایتیای امپریالیسم وارد آورده که از جمله خصیصه‌های نادری در تاریخ جامعه سرمایه‌داری است، که خشم و کینه دیوانه‌وار و احترام برانگیز دنیای سرمایه‌داری خود متوجه ساخته است. این حقایق و بررسی علمی تاریخ، به‌مما می‌وزد که عدالت، جولی و مشق به سعادت و نیکی‌بخشی مردم رنج‌دیده، نیروهای وسیع را ملیرم ایده‌های متفاوت در برمی‌گردد. نیروهای وسیعی که در این مبارزه حق‌طلبانه، و جوه مشترک بسیار دارند و دره عمیقی مابین آنها حفر شده است. این واقیعت در انعام ضد امپریالیستی اردوگاه سوسیالیسم یا جنبش‌های آزادیبخش ملی در کشورهای «جهان سوم» در دوران ما، لیلی آشکار می‌یابد و اتحاد دو نیروی که به‌همه جنبش‌کارگری در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، و رسالت سترگ‌بناک سپاری علمی نظام جودوستم سرمایه را برعهده دارند.

پیروزی بلشویسم، تحولی کیفی در مبارزات طبقاتی جهانی

پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و سرنگونی رژیم متفرد تزاری که با هزاران پیرند پادشاهی سرمایه متصل بوده تحولی کیفی در مبارزات ضد سرمایه‌داری، ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه جهان پدید آورد. دنیای سرمایه‌داری از این ضربه‌ملکه، شدت تکان خورد و لیلی خود گریه کرد. کودتای نائین دشمن قدرتمند، مدافع زحمتکش و خصم غارتگران و استثمارگران و آدرنده‌کننده، در صورت امکان آنرا نابود کند، ایده‌های والای انسانی آنرا لوت نماید و از سرایت آتش مقدس مبارزه به خلقهای دیرند و تحت سلطه، جلورگرد.

گذشته از نهیدات گسترده اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم علیه اتحاد شوروی، که مورد بحث مقاله مانیت، این نظام بوسیده و فاسد جهانی، یکنه‌های دیوانه‌وار، تبلیغات گسترده‌ای را علیه سوسیالیسم و مبارزان راه سوسیالیسم سازمان داد و کوشید تا پاره‌های از بدبینی و نفرت نسبت به سوسیالیسم در مقابل آندیشه توده‌های زحمتکش بجان آمده‌از ستم انحصارات در کشورهای تحت سلطه و نیز در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بگسترند.

تا روزی این برده تبلیغاتی را کذب و افترا و اوژگوئه‌سازی حقایق در مورد سوسیالیسم و اتحاد شوروی و نیز بی‌باکدان کمونیست در این کشورها، تشکیل میداد و می‌دهد. امپریالیسم از این کارزار تبلیغاتی و ایدئولوژیک، مقاصد مثبتی را تقیبت می‌کند که در نهایت حفظ سلطه امریتی خویش برخلقهای این کشورها و درهم شکستن مقاومت اجتناب ناپذیر آنها در مقابل ظلم و ستم بیحد و مرز و فرات و جنایت دیوانه‌وار «جهان آزاده» در این کشورها است.

اشکال تبلیغاتی امپریالیسم از یک پیروزی بلشویسم در اتحاد شوروی، ابعاد تازه و شوک‌دهنده یافته و تکمیل گردید. پیدایش سوسیالیسم واقعی و موجود که قدرت دولتی را نیز در یک ششم مساحت زمین در اختیاردارد، پیدایش دوران جدیدی که ستری آن کارزار سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، تبدیل سوسیالیسم به یک سیستم جهانی با قدرتی فزاینده امپریالیزم را واداشت تا اشکالی پیشین را با شرایط جدید باستانب سازد و برشتاد تبلیغات خود بی‌وزاید. این تبلیغات و ملیرم گسترش و حدت خوفا پگونه‌فریبی در طول ۶۲ سال اخیر یکسان مانده‌است. این امر طبیعی است زیرا کمحتوی دوران کنونی بلاغیرمانده‌است.

بهمین دلیل تبلیغات و نخواهد بود اگر همان مضامین که اکنون از زبان بزرگسی، نماینده انحصارات امپریالیستی، بگوش می‌رسد، مینا پامان مضامینی که به‌نگام پیروزی بلشویسم از زبان «ملاطین» غارتگر سرمایه، بگوش می‌رسید، یکسان باشد و همان لاکتیکی و شوگردهامین بکار رود. این مشابهت شوگرف شوگردهامی تبلیغاتی امپریالیسم برای انحراف افکار خلقهای مبارز از رطله‌های وی و تلاش برای حفظ سطره خویش بر حیات خلقها، این امکان را بدید می‌آورد که با شناخت صحیح این شوگردها و شوگرکی ملکرک آنها، شناساندن آنها به نیروهای صادق و راستین ضد امپریالیست، بکوشیم تا لرا تکرار اشتباهات عظیم تاریخی و آزمونهای بلخ گذشته، با مناعت‌کنیم و انقلاب را ملیرم دامهای فریب قزون از شمار امپریالیسم برسرور آن، به پیش برانیم، ب حکیم کنیم و به پیروزیهای بزرگتر و بهیتر نائل گردانیم.

مامیکوشیم این مضامین تکرار شده، این شوگردهای تبلیغاتی داین کارزار ایدئولوژیک امپریالیسم راچه درجه‌ار مبارزات انقلابی جهانی وچه در تجربه جنبش‌های ملی، آزادیخواهانه و استقلال طلبانه در کشور خویش بررسی کنیم و از مبارزات انقلابی کنونی در کشور خویش از برن این جهاراب تلخ و خون آلود، رهنمودهای مشخص، استخراج نمائیم. (ادامه دارد)

این پوستر تبلیغاتی امپریالیست‌های آلمانی در پایان جنگ اول جهانی است. در آن هنگام درندگان امپریالیست، برای پاره کردن سرزمینها و تجدید تقسیم آنها، مردم را بجهار یکدیگر افتادند و در این میسان انقلابیون روسیه برهبری بلشویکها و ترایسم که توده‌های مردم را برای ارضای طامع امپریالیست‌ها به جنگ کشانده بود، سرنگون کردند. حکومت زحمتکش را برپاداشتند و ملیرم نظریت تحول تاریخی را به‌پدید آوردند. این امر امپریالیست‌ها را به وحشت زانده‌اخت وسیل خشم و نفرت و دروغ و فریب آنها و بسوی بلشویکها چاری نمود. درندگان امپریالیست که برای کسب سوندهای بیشتر توده‌های مردم رابنه جنگ فارتگران، و بیگاری و گرسنگی سوق دادند به بلشویکها را مقصر و نامود کردند. خود را فرشته آزادی و سعادت نامیدند.

تصور فوق‌مادیت تمامی تاریخ یکصد و پنجاه ساله اخیر تبلیغات اروپایان جنبشکار علیه طبعه زحمتکش و کمونیست‌ها و شیخ سالی تبلیغات طبعه سوسیالیسم را بوضوح بیان می‌کنند. همه‌چیز را کاران تاریخ از هیتر و موسولینی گرفته تا رایش‌اخو و پرسی و کمونیسم را در هیتن وحشتناک و غیر انسانی که در واقع هییت خود آنها بود، تصویر کرده و کوشیده‌اند تا اذهان توده‌های مردم را نسبت به دشمنان واقعی جودوستم نه فنی و جنگ و نیز ساخته فریب دهند.

اما تاریخ بهکم تجارب سخته حکم خود را داده است: این اروپایان سرمایه و امپریالیست‌ها بودند که هواره فقر و بیگاری و بیماری بهاره آوردند و این کمونیست‌ها بودند که از عدالت آزادی، برابری و صلح مدافعه کرده‌اند.

در بالای پوستر تبلیغاتی امپریالیستی نوشته شده است: «بلشویسم» جنگ و بیگاری و گرسنگی با خود می‌آورد» و در پایین نوشته‌اند: «(برای سرکوب بلشویسم متحد شویم). آن موجود ژولیده دهشتناک که کارد لیزی به بیگست و بهی بدست دیگر دارد، یک «کمونیست» است و آن «فرشته آزادی» که توده‌های مردم را در راه گم کرده و نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم است: حقیقت را می‌پوشاند و می‌خواهد و از گونه جلوه دهند».

می‌کنند تنها آنرا نبودند و نیستند که جامعه طبقاتی را نامادلانه میدادند. هستند بسیار نیروهای دیگر که کمونیست نیستند، اما برای دستیابی به استقلال، تاسین عدالت اجتماعی و مقابله با ظلم سرمایه‌داری، مبارزه می‌کنند. آنها در عمل، در مبارزه با اروپایان غدار و جنایت پیشه سرمایه، در کنار کمونیست‌ها قرار دارند: «ملحد» طبقات جنایت پیشه زوال و صفت حاکم را بر مردم میدادند و میدادند، «نیروهای ملی و میهن پرست که تسلط غارتگرانه انحصارات و استثمارگران بین‌المللی را بر میهن خود نمی‌پسندیدند و نمی‌پسندند و بالاخره آزادیخواهانی که خفتان ناشی از استیلا طبقات سرمایه‌دار حاکم را محکوم می‌کنند، همه اینها با کمونیست‌ها وجه مشترک بسیار داشته و دارند و بهمین دلیل می‌توانستند و می‌توانند، در مبارزات مشترک و تشریک مسامی کنند، امری که بهیچوجه برای ادامه سطره جهانخواران و دست نشانگان داخلی آنها خوشایند و نروده نیست.

اما در این میان، کمونیست‌ها قاطعتر، بیکبرترین و بنیادی‌تر خواست سرنگونی نظام سرمایه‌داری و ماملر ح می‌ساختند و بگوئی مشخص روشن، برنامه عمل ارائه میدادند، برنامه‌های کسک پرستک حاکمیت سرمایه باقی نمی‌گذارند و بر انقلابی‌ترین و بیکبرترین طبقه یعنی طبقه کارگر ستمی، انکاداشت. کمونیست‌ها در بین اراده این برنامه استراتژیک، از هرکام مثبت دوچمت ترقی اجتماعی، ب‌بهیو زندگی مردم گامش خفتان و استقبال می‌کردند و با برخورداری شوگرف از انعطاف مللی و نظری و با نیروهای دیگر که در این جهات مبارزه می‌کردند، وجه مشترک می‌یافتند و همواره می‌گوشیدند و وسیع‌ترین نیروها را علیه نظام حاکم و جهات ضد مردمی سیاست‌های آن، بسیج کنند. همه این

با شهری آشنا بنام «قصر شیرین» آشنا شویم

قصر شیرین شهری است تاریخی با جمعیتی بالغ بر چهل هزار نفر که بنای آن را به بخت روزی شاهنشاهی باستان از پیشانی می بیند. این شهر از شرق به سرپل زهاب، کرند غرب، شاه آباد و کرمانشاه منتهی می شود. و از شمال و جنوب روه عراق دارد. زمینهای اطراف قصر شیرین را دروازه دیر و دیرجابه و «لؤلؤ» مشروب می کنند، که اولی پس از طی و خصمی زیاد از منطقه لاهور تاسریل زهاب و از آنجا تا نزدیکی قصر شیرین پناخ عراق می ریزد، و از دومی با وجودی که می تواند تمام زمینهای اطراف قصر شیرین را سیراب کند، استفاده چندانی نمیشود. فقط تعدادی از باغات اطراف قصر شیرین از «لؤلؤ» سیراب میشوند و همین.

در قصر شیرین محصولات متفاوتی تولید میشود. از جمله خرما، انگور، لیمو، پرتقال، انار، انجیر، پاقلا، لوبیا، سیب زمینی، هندوانه، گوجه فرنگی و بادجان، که علیرغم کمیاب نبودن، کشاورزی از قبیل ماشین آلات، متخصصان کشاورزی، و عدم رعایت اصول علمی کشاورزی و بیابانی بعضی از محصولات قصر شیرین از قبیل خرما، انگور، لیمو، پرتقال، بادجان و گوجه فرنگی بسیار شکرهای کشور صادر میشود. اکثریت جمعیت قصر شیرین را کسبه و

گروانی روز افزون

اکثر مواد غذایی از قبیل برنج، قند، چای، روغن، همچنین مواد لوازم ضروری دیگر را سویدجویان احتکار می کنند، بطوری که مواد مورد نیاز مردم پایتخت برابریت به دستشان میرسد. گروانی روز افزون، هر روز پیش از روز قبیل عرصه را بر زحمتکشان قصر شیرین تنگ میکند. بطوریکه یک خانواده قصر شیرینی با درآمد متوسط قادر نیست باین احتیاج ضروری خود را تأمین کند. بیچارگان خریدهای شهری هستند که اغلب

کارگران کوره پز خانه های قصر شیرین

کوره های گچ و آجرپزی اغلب درونای بی آب و علف قصر شیرین در نزدیکی مرز عراق بنا شده اند. در این کوره ها روزانه ۴۵۰ تا ۸۰۰ تن کارگر فصلی کار میکنند. این کارگران اغلب کنتراتی کار میکنند. مثلا کارگر خشت مال در ازاء به قالی زدن هزار عدد خشت، که ۱۰ تا ۱۴ ساعت در گرمای ۴۰ تا ۵۰ درجه طول میکشد از پنجاه الی ۶۵ تومان مزد دریافت میکنند. اغلب این کارگران با وجودی که در هفته یک روز نیاز به استراحت دارند، برای اینکه بتوانند پاسخگوئی احتیاجات ساختمانسای شهری باشند، و در این حال به جیب گشاد صاحبان کوره پزخانه ها پول زیادتری سرانبر کنند، روزهای تعطیل نیز کار میکنند. در غیر این صورت کارگران بیکار جای آنها را می گیرند. کارگران کوره های آجرپزی قصر شیرین، بیچار دارند که علاوه بر ساعات کار، روزانه

کارگران بیمه نیستند

در محیط غیر بهداشتی کوره پزخانه های قصر شیرین زحمتکشان دچار بیماریهای مختلف میشوند. از پیشک و دانه ریزی نیست، خفلات دیگری که آنها را تهدید می کند سرخسختگی در نتیجه افتادن در کوره است. مضافاً کارگران در مقابل خطر ناشی از

کارگران سنگ معدن

زندگی کارگران سنگ معدن نیز بهتر از زندگی کارگران کوره پزخانه ها نیست. آنها نیز به شدتترین وضعی استثمار می شوند. شکستن سنگها با وسایل ساده و ابتدائی صورت می گیرد. سنگهای معدن روی دوش کارگران حمل میشود. کارگران بدلیل حمل سنگهای سنگین اغلب به بیماریهای دیسک و باد فق دچار میشوند. مزد این کارگران نیز بجهان روزی پنجاه، شصت و پنجاه تومان محدود میشود. ساعات کار

بیکاران زیاد تهر می شوند، ناراحتی ها نیز

بیکاران قصر شیرین که اغلب آنها جوانند، روز بروز بیشتر میشوند. اینان وابسته به خانواده های زحمت کش و فقیر شهرستانی، که اجباراً بدلیل کمی تولید در قصر شیرین و پال کردن خانواده خود هستند، و از طرفی به علت اینکه همواره توسط سویدجویان و سرمایه داران شهری زیر فشار و استثمار قرار می گیرند و در معرض تبلیغات عناصر مشکوک و بیادند - انقلابی واقع میشوند مشکلات و مسائل عمده انقلاب و نمرات آن از نظرشان محو میشود. از میان آنها بسیارند کسانی که در پیشبرد انقلاب مصیانه تلاش می کنند، متأسفانه افراد مغرض و مشکوک پیدا شدند که تخم نفق و ریاس می بینند و ناراضی تراسی میشوند. عدای دیگری از آنها قصر شیرین را محلت فشارهای مکرر پنجاه ترک کرده اند.

بعدهت سازمان حزب توده ایران - واحد آبادان و برای گرامیداشت خاطره کارگران شهید صنعت نفت که در ۲۳ تیر سال ۱۳۲۵ بدست دژخیمان رژیم شاه به شهادت رسیدند در روز یکشنبه ۲۲ تیر مراسم باشکوهی در محل دفتر حزب توده ایران در آبادان برگزار شد. در این مراسم که با حضور جمعی از کارگران پالایشگاه آبادان برگزار شد، پس از پیشک سرباز حزب توده ایران به یاد این شهیدای دلاور یکصد دقیقه سکوت اعلام شد. آنکاه یکی از رفقا به تشریح مرحله کنونی جنبش انقلابی پرداخت و وظایف تمام نیروهای انقلابی را جهت ایجاد جبهه متحد خلق پرشمرد، و جمعیت با شعار «زنده باد جبهه متحد خلق ما» این شروت را نا نایت کردند. سپس پیام حزب توده ایران، سازمان ایالتی خوزستان قرائت گردید. در بخشی از این پیام آمده

گرامیداشت خاطره تابناک شهدای ۲۳ تیر صنعت نفت در آبادان



است، و باید اذعان داشت که امپریالیسم آمریکا از منافع امپریالیستی خود در ایران دست بردار نبوده و نیست و تا هنگامیکه تحت و تفرقه در میان نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خصوصاً در میان صفوف طبقه کارگر ایران بعنوان بهترین نیروی قاطع و خلقی انقلاب ایران وجود دارد و احتمال سقوط انقلاب نیز

سومین حمله در ظرف یک ماه بدفتر حزب توده ایران در فارس

توده ایران در فارس و سنگ پرانی به طرف آن، به دست از رفتاری محافظت دفتر هجوم بردند و یکی از آنها را مجروح ساختند. در ظرف یکماه اخیر این سومین بار بود که گروهی از عناصر مشکوک شبانه به دفتر سازمان حزب توده ایران در

عناصر مشکوکی برای سومین بار در ظرف یکماه اخیر دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس حمله کردند. این عناصر مشکوک در ساعت ۹/۵ بعد از ظهر روز ۲۲ تیر، ضمن حمله به دفتر سازمان ایالتی حزب

تلگرام تبریک سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به سازمان «جوانان ساندینیست»

از جانب سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به مناسبت نخستین سالروز پیروزی انقلاب نیکار گوته این تلگرام به سازمان «جوانان ساندینیست» مخابره شده است:

رفقا و دوستان عزیز! اکنون انقلاب ایران و انقلاب نیکار گوته دیگر تبرد سر - نوست ساز با دشمن مشترکی هستند. همنسنگی بین المللی فعال در عرصه این مبارزه حیاتی شرط پیروزی خلق های ماست. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، سوی اعضای، هواداران و همه جوانان و دانشجویان شرقی ایران، عمیق ترین درودهای خویش را به شما، به مردم، جوانان و دانش جویان نیکار گوته ابراز می دارد. ما ایمان داریم که شما در تبرد دشوار خود پیروز خواهید شد. فرخنده باد نخستین سالگرد پیروزی انقلاب نیکار گوته! زنده باد همنسنگی بین المللی خلقها در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی پر کردگی امپریالیسم آمریکا! سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ۲۳ تیرماه ۱۳۵۹

کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت فارس به آتش کشیده شد

عوامل ضد انقلاب کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت فارس را به آتش کشیدند.

در ساعت ۲ بعد از ظهر جمعه ۲۰ تیر، عوامل ضد انقلاب بنا استفاده از تازیکی شمشیر، به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت حمله کردند و آن را به آتش کشیدند.

ماجرای از آنجا آغاز شده که روز قبل از این توطئه یکی از عوامل ضد انقلاب به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت فارس مراجعه کرد و ضمن معرفی خود بعنوان نماینده سپاه پاسداران در مرودشت نامه ای به مسئول کیوسک داد و به سرعت محل کیوسک را ترک کرد.

محتوی این نامه در واقع تهدیدی بر علیه فعالیت علمی، مشروع و قانونی حزب توده ایران در فارس بود که «اندام جیبی» را روز بروز داشت که اگر در چهارده ساعت کیوسک تخلیه نشود با یک تازیکی و سه دایمی رفقای حزب راه و کفر اعمالشان، می رساند. گروهک ضد انقلابی که چنین تهدیدی کرده بود بر خود نسام و چریکهای مسلحان و انقلابی

مرودم، را نهاده بود، روز بعد به کیوسک فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت حمله کرد و آنرا به آتش کشید.

مسئولین حزب توده ایران که سپاه پاسداران را یک نهاد انقلابی می دانند و به بدستی این انتظار را دارند که این سپاه جلعوقا بیایهها ضد انقلابیون را بگیرد و نقشه ها و توطئه های آنها را خنثی کند، بلافاصله به سپاه پاسداران انقلاب در مرودشت مراجعه کردند و مراتب را به اطلاع مسئولین سپاه رساندند، و اعدادن یک نسخه از تهدیدنامه از مسئولین سپاه پاسداران خواستند تا برای جلوگیری از تشنج و تخریب ضد انقلابیون راهنمایی کنند.

مسائل و مشکلات قصر شیرین در پیوند با تمام مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور ماست. حال که پایگاه ظلم و ستم خسرو زمانه، شاه قاسد و وابسته را بر چیده ایم باید قسری بنا کنیم که فرهادهای زمانه تمام شیرینی زندگی را در آن بیابند. انقلاب ما امکان آنرا دارد که باین هدف بزرگ انسانی دست

یابد.

اعلامیه هواداران حزب توده ایران در فیروز کوه در رابطه با حوادث این شهرستان

در رابطه با حوادث تشنج آفرین در شهرستان فیروز کوه که از سوی هواداران گروهک ضد انقلابی گومله تبارک دیده شده بود، هواداران حزب توده ایران در این شهرستان اعلامیه ای صادر کردند. در این اعلامیه چنین آمده است:

هواداران گروهک جنگ افروز و ضد انقلابی گومله که بنام دیننازان آزادان، در فیروز کوه فعالیت میکنند، شهر را برای چندمین بار به میدان حادثه آفرینی های خود تبدیل کردند. این چه دیتی است که از آستین نیروهای چپ نما و ضد انقلابی ایرون می آید و توبرد بر تکت اسامیرالیسم و ابادیش می نشاند!

امروز که با تاکید امام، اتحاد تمام نیروها صرف نظر از عقاید مسلکی و ایدئولوژیکی ضرورت حفظ تداوم انقلاب ایران در برابر امپریالیسم توطئه گر، شیطانی بزرگ قرن، امریکای چنایستکار است حادثه آفرینی و تشنج در نهایت به سود چه کسانی تمام خواهد شد و چه نیروی از آن بهره خواهد برد!

این امپریالیسم آمریکایی که از جوانان آرام و سوسطن استفاده می کند، این امپریالیسم آمریکایی که رهبری انقلاب را هدف قرار داده و هر گونه تشنج این رهبری بنفع امپریالیسم چنایستکار آمریکا تمام میشود. ما هواداران حزب توده ایران در فیروز کوه عمل ضد انقلابی هواداران گروهک ضد انقلابی گومله را در فیروز کوه محکوم میکنیم. ما توهین به رهبری انقلاب و حادثه آفرینی را از سوی هر کسی که باشد و از سوی هر نیروی که دامن زده شود بنفع امپریالیسم آمریکا دانسته و آنرا محکوم میکنیم. ما از همه نیروهای انقلابی شهر می خواهیم با روشن بینی به خرابکارهای این گروهک ضد انقلابی برخورد کنند و در افشای آنان بکوشند.

شرکت سازمان حزب توده ایران در چالوس در پاکسازی شهر

پدنیال دهنی که استنادات مانده در روز جمعه در مرودشت سازی و زیباسازی استان از مرده به عمل آورده حزب توده ایران سازمان چالوس و نوشهر آمادگی خود را برای شرکت در این جهاد اعلام داشت. از صبح روز جمعه مسئولین سازمان حزب توده ایران در چالوس ضمن برپائی چادرستاد پاکسازی، گروه های چند نفری تشکیل دادند و به کار مشغول شدند. رفقای حزب دشمن کار به استوئیقهای مکرر مشهریان خود را برون شدند.

کروهی از کارگران پالایشگاه آبادان و نیز سندیکی ملوانان و کارکنان دریائی خلیج فارس و سندیکی کارگران چایخانه های آبادان... به کمیته برگزاری مراسم رسیده بود، قرائت شد. در قسمت بندی برنامه رفیق رجب پور کارگر پالایشگاه، به قرائت قطعه شعری از سروده های خویش پرداخت و آنکاه گروهی از دانش آموزان هوادار حزب توده ایران، سرود ۲۳ تیر را اجرا کردند.

رفیق منوچهر مصلح سندیک لیست برجسته خوزستانی و یکی از دبیران شورای متحد کارگران آبادان در سال ۱۳۲۵ بعنوان سخنان بندی، استاد وقایع ۲۳ تیر را مورد ارزیابی قرار داد و در راه های گرانبای این واقعه را بر شمرد.

این مراسم با پیشک سرود حزب پایان یافت.

انفجار بمب در دفتر حزب توده ایران

پدنیال چند روز زنده بود تلفنی از سوی عوامل ضد انقلاب سر انجام ساعت ۶ صبح در روز یکشنبه ۱۳۵۹ در دفتر حزب توده ایران در رشت انداخته شد که خوشبختانه خسارات جانی و مالی در بر نداشت. ماضن اعتراض و محکوم کردن این اعمال وحشیانه از مقامات مسئول مصراتم طلبیم که در جهت شناسائی و مجازات این عوامل که هدفی جز ضرر زدن به نیروهای انقلابی و استحاد آنها و تشنج آفرینی ندارند و به فوریت اقدام کنند.

مبین گذاری در پاکتهای سیگار یکی از توطئه های ضد انقلاب

اخیراً ضد انقلاب بامین گذاری در پاکتهای سیگار که احتمال بسیار ساختار اسرائیل است توطئه های را در جهت ایجاد رعب و وحشت و تشنج در میان مردم تدارک می بیند. ما از مقامات مسئول مصرانه می طلبیم که هر چه زودتر دست اندر کاران این توطئه ها و نقشه های شوم را مورد پیگرد قرار دهند و مجازات برسانند.

تشنج آفرینی در شهرستان آستارا توسط عناصر مشکوک

عناصر مشکوک در شهرستان آستارا، با دادن شماره های کوئیتی بخانه های مردم حمله بردند و چند نفر را مضراب ساختند. ساعت ۶/۵ روز ۲۱ تیرماه عدای مصلح به چوب و چماق در شهرستان آستارا با دادن شماره های ضد کوئیتی، ضمن شکستن شیشه های یک کتابفروشی، عکها و بوسترهای آیت اللهی افغانی، حزب توده ایران و سایر گروه ها را بانه کردند و دست به مساجواری زدند.

این عناصر مشکوک سپس به خانه های مردم حمله بردند و چند نفر را مضراب ساختند، پس کمال تألم افراد سپاه پاسداران بجای جلوگیری از این اعمال وحشیانه شروع به تهر اندازی کردند که این عمل نهنها باعث تشنج تشنج گردید، بلکه یک زخمی مردم بجای گذاشت.

تامین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

کارگاه‌های آهنگری اصفهان برای رسیدن به خودکفایی صنعتی می‌کوشند



دو سراسر کشور و از جمله در اصفهان هنوز کارگاه‌های آهنگری فراوانی وجود دارد، که بطور عمده وسایلی نظیر دروینچه و ... تولید می‌کنند.

پس از انقلاب، و به ویژه همزمان با تحریم اقتصادی امریالیسم، این کارگاه‌ها در دست برداشته شده و به یک بخش از بخش تولید کباب و لایاب بوده، تولید کنندگان آنها در موارد زیادی تاکنون موفق بوده‌اند و هر چند در شرایط کنونی از امکانات مادی و پشتیبانی متخصصین دولت برخوردار نیستند، با وسایل ساده و ابتدایی خوش تدابیر راه ۳۳ بر میدارند.

یکی از این کارگاه‌ها در خیابان پوریایولی اصفهان واقع است. استادزاده‌ای که این کارگاه را اداره میکند، در این زمینه می‌گوید:

کارگاه ما، دروینچه سازی است. ولی در صددیم ماشین لیس‌شویی تهیه کنیم. پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، ولی به امکانات فنی و مواد اولیه لازم دسترسی نداریم.

در همان خیابان، کارگاه دیگری بنام «آهنگری هندمشورپور» وجود دارد. در اینجا استاد محمد بافتار پنج کارگر، کار می‌کنند. از مدتی پیش کبیرول گاز چراغ «پیکتیک» تولید می‌کنند.

از زبان استاد محمد می‌شنویم:

«بعد از انقلاب، شروع کردیم به ساختن این کبیرول‌های گاز. به شهرهای دیگر هم صادر می‌کنیم. در حال حاضر، این کبیرول‌ها، چندان فروش ندارد. چرا که برای این که در ساختن آن‌ها و بخصوص در جوش دادن، از وسایل ابتدایی استفاده می‌کنیم. این امر باعث می‌شود کبیرول‌های ما بقدر لازم مرغوب نباشند و از طرف دیگر پلازه کارها پایین باشد و نتوانیم آنها را به قیمت ارزانی بفروشیم.»

در خیابان خیام اصفهان، کارگاه دیگری وجود دارد که آقای امیرحاج وادخواه همراه یک کارگر، در آن کار می‌کنند. در این جا اخیراً ماشین خرمن‌کوب می‌سازند. آنها میخواهند با کسب امکانات فنی و وسایل لازم پلازه کارشان را بالا ببرند.

ببینیم آقای وادخواه چه می‌گوید:

ساختن یک ماشین خرمن‌کوب چندروز طول می‌کشد. اگر تجهیزات مدرن و وسایلی پیشرفته کافی داشته باشیم. همین کارها، در طول چند ساعت می‌شود تمام کرد. گذشته از این، برای این کار باید مدتها دنبال مواد اولیه بگردیم و ورق‌ها را بپوشیم و ... گیر می‌آوریم. و به قیمتی گران بخریم. نتیجه این می‌شود که قیمت تمام شده ماشین خیلی بالا می‌رود. کشاورزان خیلی مایلند آهرا بخرند، اما بی‌پایه‌ای آنها اجازه نمیدهند. ... ماشین روی دست ما میماند.

وی در قسمت دیگری از حرف‌هایش به مراحل میرساند:

اول از همه، دولت باید ذوب‌آهن را زهر جیت رو براه بگذرد. راه بیاندازد و دسترسی بدهد. ناهین که از یک هیئت منجمت فقط ذوب‌آهن تولید بشود. تا تحقیق جیت شرایط، دولت باید واد اولیه و ذوب‌آهن را به کشورهای بی‌توان از سرمایه‌کارها بپوشاند. بپردازد. بعد از آن هم، باید مجتمع‌های صنعتی مدرن، از جمله ماشین‌های پیشرفته

نواحی باقی‌مانده پتروشیمی به محل کارخانه رفتند. نماینده کارگران خطاب به آنان:

«تعطیل کارخانه غیرقانونی است.»

او همچنین اضافه کرد:

«من ۹ ماه تمام بدون دریافت حقوق، پاسدار انقلاب بودم. حالا میخواهند مرا بیکار کنند. آنها قول داده‌اند که در چهارم ماهی حقوقم را بپردازند.»

یکی از اعضای کانون در این زمینه گفت:

«قانون کار گذشته بوسیله‌ای برای بهره‌کشی و استثمار هر چه بیشتر کارگر و برای حاکمیت مطلق بخشیدن به کارفرمایان و سرمایه‌داران بود. ما به این منظور اینجا گردهم آمده‌ایم تا به استبداد و سلطه سرمایه دار که بوسیله کارفرمادار کارخانه اعمال شده است پایان دهیم.»

در آن جلسه کارگران به مسئولین امر یادآور شدند که اگر در قانون کار خواست کارگران گنجانده نشده باشد و در جهت رفع مشکلات آنان برنیاید، آنها اجرا نخواهند کرد.

در جلسه مزبور نماینده شورای کارکنان سیمان آبیگ دربار ماه ۳۳ قانون کار گفت: «با اینکه چندین بار از طرف اکثریت کارگران موجود به این اصل اعتراض شده است و مسئولین هم با آن مخالف هستند ولی هنوز ما می‌بینیم که این ماده اجرا می‌شود کارگران را بدون دلیل اخراج میکنند و کسی هم به حرف ما گوش نمی‌دهد.»

چندی پیش وزیر کار در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد تعداد بیکاران گفت:

«ما فقط در حدود ۵۰۰ هزار بیکار داریم که بیشتر آنها دیپلمه هستند.»

(البته رقم دقیق بیکاران طبق آمار رسمی به میلیون‌ها نفر بالغ میشود و تعداد ۵۰۰ هزار نفر بیکار رقم صحیح نیست).

چه دستهایی بر افزایش ارتش بیکاران کمک می‌کنند؟

کارخانه پتروشیمی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های شیراز است. طرح گسترش این کارخانه هم‌اکنون در دست اجرا است. پیش‌برد این طرح اقدامی است در جهت انقلاب و بخل قطع وابستگی به منابع ناپذیرالیتی.

در اجرای این طرح جدید و در قسمت‌های مختلف مربوط به آن، بیش از هزار کارگر، کار می‌کنند. در هفته‌های اخیر کارخانه جدید بملت تقدان بودجه تعطیل شد و کارگران آن بیکار شدند.

در این بیست‌نفر نمایندگان کارگران پتروشیمی شیراز (پروزه توسعه کارخانه) در استعجابی نارس اجتناب کردند و نسبت به تعطیل پروژه کارخانه که باعث بیکاری یک هزار و دویست نفر کارگران این کارخانه شده بود، اعتراض کردند. (این پروژه قبلاً در دست شرکت دبی بی.بی.بی بوده است، ولی پس از آن وابسته به شرکت نفت شد).

ظاهراً دلایلی که شرکت نفت برای این تعطیلی آورده است:

۱- ندانستن سیمان (در صورتی که کارگران این بهانه را نمی‌پذیرند).

۲- ندانستن نقشه.

۳- ندانستن کارشناس و متخصص.

یکی از نمایندگان کارگران می‌گوید: «روز ۲۶ خرداد به ما خبر تعطیل پروژه را دادند و ما فرصت اعتراضی به کسی را نداشتیم. چون دو روز بعد پروژه تعطیل شده و دلایل ذکر شده برای این تعطیلی را رد کرد و گفت:

«هیئت از کارشناسان، از تهران برای بررسی آمدند ولی چون شرکت نفت حاضر نشده اینجا در صدد اضافه حقوق آنها بنده عمدتاً بیانه‌ها را آوردند تا پروژه تعطیل شود.»

او اضافه کرد:

«این پروژه هیچ احتیاجی به متخصصین خارجی ندارد، و ما می‌توانیم، مانند قبلاً، از روی نقشه‌هایی که داریم به کار ادامه دهیم.»

برای جلوگیری از بستن کارخانه، نمایندگان شورای کارخانه به تهران آمدند و با مسئولین به مذاکره نشستند ولی نتیجه‌ای حاصل نشد.

نمایندگان شورای کارگران بارها به استناداری محل مراجعه کرده‌اند، ولی نتوانستند خواست کارگران و همچنین خواست انقلاب را که تاسیس کارخانه و تولید بیشتر در نتیجه قسری در راه قطع وابستگی است، تأمین کنند. در این اعتراض کارگران، فرماندار و رئیس سپاه پاسداران

دست سرمایه‌داران وابسته از صنایع و کارخانه‌ها کوتاه!

از این رو موده اولیه‌ای را که می‌توانست از دیگر کشورها تهیه کند، فراهم نمی‌کنند.

کارگران می‌گویند:

«این شخصی اصلاً بامهرهای اصلی رژیم طاغوت در ارتباط بوده است و باید کارخانه ملی اعلام شود و اموال کارفرما صادره شود. ولی نه تنها اینکار عملی نشده است بلکه دولت به این سرمایه‌دار چندی قبل ۴۰ (بیست) میلیون و ۱۱۱ پردادخت کرده است تا کارخانه دیگری در تهران ایجاد کند.»

کارفرما با خرج کردن سرمایه صنعتی نه تنها باعث رکود اقتصادی و بیکار شدن هر چه بیشتر کارگران شده، بلکه با بکارگیری این سرمایه هنگفت در تجارت با دول امریالیستی، کار بزرگانی خارجی را که باید در دست دولت باشد، بجهت گرفته است و اجناس و اراهای را بر قیمت‌های بالا بخرود و از این طریق نیز برگردانی می‌فرماید.

متأسفانه برخی از مقامات مسئول این تعداد بیکاران را امری طبیعی جلوه میدهند ولی در واقع اینطور نیست. بیکاری فقط و فقط در کشورهای سرمایه‌داری غرب امری طبیعی است. زیرا این جوامع و نظامها، بر اساس منافع مکتب سرمایه‌دار بنا شده‌اند.

یکی از شرایط خاص کشور ما، بخوبی قابل درک است که بیکاری چند میلیون نفری چه خطر عظیمی برای انقلاب در پی خواهد داشت.

بیکاری از یک سوزمینه بسیار مناسبی را برای تبلیغات ضد انقلاب فراهم میکند، و از سوی دیگر کشور ما را از چند میلیون بازاری کار، در شرایط و دشواری اقتصادی، محروم ساخته است. بازاری که در شرایط محاصره اقتصادی امریالیسم می‌توانست نیازمندی‌های کشور را در زمینه تولید صنعتی و کشاورزی برآورده سازد.

حذف موادی چون ماده ۳۳ قانون کار که تاکنون هو، سوا استفاده کارفرمایان قرار گرفته است و گنجانیدن موادی که اخراج کارگر را فقط با اجازه سندیکا امکان پذیر سازد از جمله وظایف تدوین کنندگان قانون جدید کار است. حل‌مساله بیکاری بطور گریز ناپذیری با مهابار کردن کارفرمایان یکمک زنجیر محکم قانون، و از جمله با لغو موادی نظیر ماده ۳۳ امکان پذیر است.

کارفرمایان طاغوتی را باید با زنجیر محکم قوانین مهار کرد ماده ۳۳ قانون کار و اخراج کارگران مسائل کارگری

کارگران ایران در طی سالها فرمانروائی طاغوتیان برای احقاق حقوق از دست رفته خود، لحظه‌ای از مبارزه باز نایستادند. آنها در اینجا و آنجا، طی مبارزات پیگیر خود قربانی بسیار دادند و آخرین بیکار آنها علیه ظلم و بیادادگری، اعتصابات سراسری کارگران در آستانه انقلاب بود.

کارگران برای درهم شکستن بساط طاغوت، از آن دستزه ناچیز خود گذشتند و گرسنگی و مرگ را بر آن زندگی رقت‌بار ترجیح دادند و طاغوت را از پای در نیاوردند، از پای نشستند. با این امید که تغییری محسوس به نفع زحمتکشان در قوانین کار پدید آید. ولی برخلاف تصور ملاحظه کردند که همان قانون کار زمان طاغوت همچنان باقی است و پرواضح است که آن قانون حافظ منافع زحمتکشان نخواهد بود.

هم‌اکنون، چون گذشته، کارگران را بدون هیچ دلیل قانع کننده‌ای از کار اخراج میکنند و هنوز هم کارفرمایان در محیط کار قدر قدرت‌اند و ماده ۳۳ قانون کار، چون گذشته، همچنان حربه‌ایست در دست کارفرما برای اخراج کارگران. در ماده ۳۳ قانون کار آمده است که:

«هر گاه قرارداد (میان کارگر و کارفرما) برای مدت نامحدود منعقد شده باشد هر یک از طرفین می‌تواند با نود روز اختصار کتبی قبلی، آنرا فسخ کند... در صورتیکه کارگر اخراجی یکسال... خدمت کرده باشد، کارفرما در موقع فسخ قرارداد به نسبت یکسال خدمت پانزده روز مزد باو می‌دهد.»

متأسفانه در کشور ما بیمه‌بیکاری وجود ندارد، و کارگران در صورت اخراج از کار، با مشکلات فراوانی مواجه میشوند، چون هیچ مرجعی وجود ندارد که حتی بطور موقت، شکم آن کارگر و خانواده‌اش را بسیر کند. بدین جهت شخصیت کارگر به‌بازی گرفته می‌شود و در نتیجه خود را سر بار جامعه احساس میکند و امکان رشد و شکوفای کردن استعدادهای خود را از دست می‌دهد.

فرد بیکار هر دم زیر شلاق گرسنگی و بی‌خانمانی بخود می‌پیچد، اما چه سود که سرمایه‌دار خوشخورا برای ترساندن کارگران شائل از اعتراض، احتیاج به ارتش از بیکاران دارد. کارفرمایان با سوا استفاده از ماده ۳۳ تا بحال بسیاری از کارگران را از کار اخراج کرده‌اند. در زیر به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم:

نمونه ۱: «چندی پیش یک نفر بازرسی همه کارخانه سنگ‌بری ایران در جاده شیراز مراجعه کرد، و اسامی کارگرانی را که بیمه نیلند یادداشت کرد. کارفرما بخاطر اینکه کارگری را بیمه نکند او را از کار اخراج کرد. تلاش این کارگر برای بازگشت به کار تاکنون بی‌نتیجه مانده است.»

خیلی ساده کارفرما به «حل» مسئله پرداخته با این ترتیب که کارگر بیمه نشده را اخراج کرد و حال راحت می‌تواند ادعا کند که همه کارگران کارخانه سنگ‌بری ایران بیمه هستند.

نمونه ۲: «صاحب شرکت راه‌سازی کار واقع در شیراز، دارای ۴۰ دستگاه ماشین‌راه سازی است. اخیراً او دودستگاه از ماشین‌ها را فروخته و دو نفر از راننده‌ها را اخراج کرده است. این دو نفر مدت هشت سال بود که در این شرکت کار میکردند.»

نمونه ۳: «ماور باغیانی نیروی هوائی شیراز به عهده تعدادی از کارگران فصلی بود. در آستانه انقلاب، همه کارگران بدون دریافت مزدی اخراج شدند. برخی از کارگران بیشتر از ۷ سال سابقه کار داشتند.»

وقتی این سه نمونه توجه کنیم، متوجه میشویم که اصولاً برای کارفرما مطرح نیست که کارگری تازه کار باشد و با اینکه ۷ تا ۸ سال سابقه کار داشته باشد. اصل مسئله این است که سرنوشت کارگران بدست کارفرما است.

نمونه ۴: «در کارگاه سنگ و صدف کوئی «زند» واقع در شیراز ۱۵ نفر کارگر ایرانی و افغانی کار می‌کنند. چندی پیش کارگران بدون علم اجرای قانون کار توسط کارفرما، زبان به اعتراض گشودند و از خواست که به خواستهای آنها ترتیب اثر دهد. کارفرما بجای توجه به خواستهای برحق کارگران، نظر آنرا را اخراج کرد.»

در کارگاه مزبور چنان محیط خفقانی حکمفرماست که کارگران حق اعتراض ندارند. البته کارگران باید خوشحال باشند که طاغوت سرنگون شد و گر نه آنها بایک اشاره کارفرما گرفتار جانیان ساواک میشدند!

نمونه ۵: «چندی پیش در کارخانه ساختمانی کار سانسین شیراز، بدون هیچ دلیلی، ۷ نفر از کارگران اخراج شدند. کارفرما در توجیه عمل خود گفته است: «بعثت نبودن کار در نظر داریم. ۱۰۰ نفر را اخراج کنیم، شما اولین گروه از این عده هستید.»

کارفرما با کمال وقاحت و حقارت می‌کند که مسئله با اخراج ۷ نفر «حل» نمی‌شود بلکه این رفته سردراز دارد... نمونه‌ها بسیارند و ما فقط به چند نمونه بالا بسنده میکنیم. با این امید که مسئولان امور به مشکلات کارگران رسیدگی کنند و جلوی خودسری‌های کارفرمایان را بگیرند.

کارگران کشور ما که با اعتصابات پیگیر خود کم‌طاغوت را شکستند پس از پیروزی انقلاب، چشم‌آمد به دولت موقت دوخته بودند تا بلکه بهبودی در زندگی سراسر رنج آنها حاصل شود. متأسفانه تیر آنها به سنگ خورد...

چند ماه قبل سمینار شورای اسلامی کارخانجات تهران و حومه با شرکت نمایندگان و اعضاء این شوراها به منظور بررسی قانون کار تشکیل شد.

به خواستهای کارگران دنیای فلز توجه کنید!

کارخانه دنیای فلز واقع در جاده مخصوص کرج، با حدود ۴۰۰ کارگر و دو کارخانه آهن و فولاد تولید می‌کند.

حق که بهر چه آن دولت و کارفرما موظف بودند، هر سه، بملت افزایش تخصص و کارائی، میلی اضافه حقوق، به کارگر داده شده ناسال گداخت کم و بیش اجراء می‌شده است.

اما اسامی، کارفرما با این بهانه که، اضافه حقوق همان میلیت که دولت پرداخت کرده است (حدوداً ۱۰۰۰ ریال) از ایدان اضافه حقوق سببه خود بخورداری می‌کند. در حالی که به گفته شورا کارگران، کارفرما پرونده ۱۲۰۰ ریال کسر آنرا از قسمت تعیین شده می‌فرود.

هم‌اکنون در کارخانه فلزهای حکمفرماست که می‌توانند مورد بهره‌برداری ضد انقلاب قرار گیرد. ماز مقامات مسئول-میخواهیم که هر چه سریعتر به خواست بحق کارگران این کارخانه توجه کنند.

نمایندگان شورای کارگران خواستند که کارفرما به تمام کارگران و خانواده‌های آنها حقوق معادل کارگران سایر صنایع را بپردازد. کارفرما در جواب گفت: «این کار را دولت باید بپردازد.»

یکی از اعضای کانون در این زمینه گفت:

«قانون کار گذشته بوسیله‌ای برای بهره‌کشی و استثمار هر چه بیشتر کارگر و برای حاکمیت مطلق بخشیدن به کارفرمایان و سرمایه‌داران بود. ما به این منظور اینجا گردهم آمده‌ایم تا به استبداد و سلطه سرمایه دار که بوسیله کارفرمادار کارخانه اعمال شده است پایان دهیم.»

در آن جلسه کارگران به مسئولین امر یادآور شدند که اگر در قانون کار خواست کارگران گنجانده نشده باشد و در جهت رفع مشکلات آنان برنیاید، آنها اجرا نخواهند کرد.

در جلسه مزبور نماینده شورای کارکنان سیمان آبیگ دربار ماه ۳۳ قانون کار گفت: «با اینکه چندین بار از طرف اکثریت کارگران موجود به این اصل اعتراض شده است و مسئولین هم با آن مخالف هستند ولی هنوز ما می‌بینیم که این ماده اجرا می‌شود کارگران را بدون دلیل اخراج میکنند و کسی هم به حرف ما گوش نمی‌دهد.»

چندی پیش وزیر کار در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد تعداد بیکاران گفت:

«ما فقط در حدود ۵۰۰ هزار بیکار داریم که بیشتر آنها دیپلمه هستند.»

(البته رقم دقیق بیکاران طبق آمار رسمی به میلیون‌ها نفر بالغ میشود و تعداد ۵۰۰ هزار نفر بیکار رقم صحیح نیست).

متأسفانه برخی از مقامات مسئول این تعداد بیکاران را امری طبیعی جلوه میدهند ولی در واقع اینطور نیست. بیکاری فقط و فقط در کشورهای سرمایه‌داری غرب امری طبیعی است. زیرا این جوامع و نظامها، بر اساس منافع مکتب سرمایه‌دار بنا شده‌اند.

یکی از شرایط خاص کشور ما، بخوبی قابل درک است که بیکاری چند میلیون نفری چه خطر عظیمی برای انقلاب در پی خواهد داشت.

بیکاری از یک سوزمینه بسیار مناسبی را برای تبلیغات ضد انقلاب فراهم میکند، و از سوی دیگر کشور ما را از چند میلیون بازاری کار، در شرایط و دشواری اقتصادی، محروم ساخته است. بازاری که در شرایط محاصره اقتصادی امریالیسم می‌توانست نیازمندی‌های کشور را در زمینه تولید صنعتی و کشاورزی برآورده سازد.

حذف موادی چون ماده ۳۳ قانون کار که تاکنون هو، سوا استفاده کارفرمایان قرار گرفته است و گنجانیدن موادی که اخراج کارگر را فقط با اجازه سندیکا امکان پذیر سازد از جمله وظایف تدوین کنندگان قانون جدید کار است. حل‌مساله بیکاری بطور گریز ناپذیری با مهابار کردن کارفرمایان یکمک زنجیر محکم قانون، و از جمله با لغو موادی نظیر ماده ۳۳ امکان پذیر است.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

باملی کردن ایتال کنتراکتور کارگران را از قید استثمار رها سازید

شرکتهای «کنوتو استراده» و «پالوینا» که نسبت پوشش شرکت «ایتال کنتراکتور» کار می کنند، شرکتهای ایتالیایی هستند. در این شرکت مجموعاً ۱۸۰۰ نفر تمام کارگر و کارمند ایرانی و ایتالیایی کار می کنند که بیش از هزار و شصت نفر آنها ایرانی و بقیه ایتالیایی هستند.

این شرکت در سال ۱۳۰۰ کار خود را با ساختن اسکله و انبار به صورت پیمانکاری آغاز کرد. شرکت ایتال کنتراکتور در غرب بندرعباس، در فاصله ۲۱ کیلومتری شهر قرار دارد. مدیر شرکت ایتالیایی است.

از آنجاییکه این شرکت وابسته به یکی از کشورهای امریالیستی است، پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا و سپس تحریم اقتصادی ایران از طرف کشورهای امریالیستی به این شرکت دستور داده شده است که کارگران ایرانی را به تنهایی استخدام نکند، بلکه اجزای نیز بکند. از آن به بعد همواره در کار شرکت از طرف روسای آن کارشناسی شده است.

- ۱- بهمت دوری راه، ساعات رفت و برگشت از یک ساعت به سه ساعت افزایش یافت و بدی آب و هوا پرداخت شود.
- ۲- افزایش میزان دستمزد.
- ۳- بکار گرفتن عمدای از کارگران یکصد بومی، جهت حفاظت از شرکت، تا کار شرکت از دو شیفت به سه شیفت تبدیل شود.
- ۴- برکناری افرادی که علیه کارگران یا طرفه افکنی توطئه میکنند. (این عهد بیشتر کسانی هستند که پس از پاکسازی در ارتش به این شرکت تروی آورده اند).
- ۵- استخدام یک پزشک ایرانی در داخل شرکت، و تأمین بهداشت در محیط کار و ایجاد امکانات ایمنی در محیط شرکت.
- دیس شرکت خواستهای کارگران را با اطلاع مسئولین شرکت در تهران رسانند. ولی آنها هیچ پاسخی به کارگران ندادند. کارگران بعنوان اعتراض نسبت به بی توجهی مسئولین در جلوی در ورودی شرکت اجتماع کردند.

همان روز نماینده وزارت کار و امور اجتماعی نزد کارگران آمد و برخلاف تصور آنها اظهار داشت که خواست کارگران قانونی نیست. این مسئله باعث ناراحتی بیشتر کارگران شد.

پس از پنج روز نماینده امام بافق بنامینا اداره کربانه آنها شدند و به کارگران قول همگونی مساعدتی را دادند.

هنوز به همه خواستهای قانونی کارگران ترتیب اثر داده نشده است. ما از مقامات مسئول صراحتاً میخواهیم تا هرچه زودتر به خواستهای بر حق کارگران ترتیب آتی داده شود تا در این شرایط مفرح کنونی که کشور در حال مبارزه با امریالیسم جهانخوار است، پیمان بدست ضدانقلاب داده نشود تا از کارشکنی کارگران سوءاستفاده نکند.

امپریالیسم جهانی بسر کردگی امریکاماشین عظیم

اقدامات دشمنانه امریالیسم امریکا در چند هفته سال نو علیه انقلاب ایران که مورد پشتیبانی همه جانبه امریالیسم جهانی قرار گرفت، بار دیگر چهره زشت و خونخوار امریالیسم را از پشت ماسکهای ریا و تزویر نمایان ساخت. این اقدامات با جایجا کردن محمدرضای مردم کش از پاناما به مصر آغاز گردید، با تصمیماتی در زمینه محاصره شدید اقتصادی علیه ایران دنبال شد و با تهاجم نظامی امریالیسم امریکا به اوج خود رسید.

این سلسله اقدامات دشمنانه نسبت به انقلاب ایران، با اینکه آخرین آنها، یعنی تهاجم عاقل گیرانه نظامی، با شکست ننگینی روبرو گردید، مسلماً پایان نیافته و بدون تردید متدنه اقدامات بازهم دشمنانه تر و شدیدتر امریالیست ها در آینده است.

این اقدامات و نظایر دشمنانه تر و شدیدتر آنها در آینده، عکس العمل کاملاً قانونمند غارتگرانه و جنایتکارانه امریالیستی نسبت به انقلاب ضد امریالیستی و عمیقاً خلتی ایران است. امریالیست ها بخوبی می دانند که انقلاب ایران، در همین ابعاد کنونی و با وجود کمبودها و نرسائیهای بسیار، ضربه کاری و زخم درمان ناپذیری بر پیگر غول امریالیسم وارد ساخته و پایداری انقلاب ایران حتی در همین ابعاد با همین نرسائیها باعث خواهد شد که این زخم بازهم گسترش یابد. عمیق تر شود و خطرهای تازه ای برای تسلط غارتگرانه و جنایت بارانه امریالیسم در «جهان سوم» و به ویژه در منطقه بسیار مهم کشور ما بوجود آورد.

مهمترین نتیجه ای که نیروهای انقلابی از رویدادهای اخیر می توانند و باید بگیرند، این است که سیاست امریالیسم جهانی بسر کردگی امریالیسم امریکا از همان اولین پیروزی انقلاب تا کنون کوچکترین تغییری نکرده و هدف همیشگی و بدون تغییر این دشمنان، ناکام ساختن انقلاب ایران و بازگرداندن آشکار و یا کمی پنهان وضع گذشته، یعنی وابستگی سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی ایران به امریالیسم بوده و هست.

حالاً که می نویسم تدارک تجاوز نظامی به ایران از نوامبر گذشته آغاز شده و یا این که در ماه اوت گذشته، یعنی پیش از رویدادهای تاسف آور مرداد و شهریور، رهنمودهای کارتر برای متابله با انقلاب ایران به وسیله برژنسکی، طرح همه توطئه های جنایت بار امریکا در جهان، به وزارت خارجه امریکا اعلام می گردد و به دنبال آن ملاقات بازرگان و یزدی و چمران با برژنسکی در الجزیره انجام می گیرد، می توانیم با دقت بیشتر تابلوی روشنی از سیاست های امریالیسم امریکادر زمینه رسیدن به این هدف اساسی ترسیم نماییم.

در نخستین آزمایش برای این کار می توان چهار مرحله را در سیاست امریکا مشخص ساخت: مرحله اول: تلاش برای منحرف کردن انقلاب ایران و برگرداندن اوضاع گذشته به کمک دولت رولیفکی نیروی امریالیست ها و دیگری نیروی لیبرال ها. امریالیست ها بعنوان عوامل سرسپرده و گوش فرمان، لیبرالها، یعنی نماینده سرمایه - داری ایران بعنوان متحدین بالقوه جهان امریالیستی و دشمنان سمت گیری خلتی و ضد غارتگری در انقلاب.

مرحله دوم: در این مرحله امریالیسم چهره خشن و تجاوز کار خود را نشان می دهد و فشار سیاسی و اقتصادی و تدارک حمله نظامی در برنامه روز قرار می گیرد.

مرحله سوم: تلاش برای منحرف کردن انقلاب ایران، با توسل به حیله گری و فریب دادن عناصر مترزل و سازشکار در رهبری انقلاب، به ویژه از راه تعدید کرایش های ضد کمونیستی و ضد کشور های سوسیالیستی (به ویژه خمشوروی). با استفاده از رویدادهای افغانستان

مرحله چهارم: اعمال فشار سیاسی - اقتصادی - نظامی و تدارک تجاوز آشکار.

تلاش برای منحرف کردن انقلاب بدست عمال سرسپرده امریالیسم و لیبرالها

در مرحله اول، سیاست عوامل و گروه های ضد انقلاب سرسپرده به امریکا (از امریالیست ها، درباردار طوطی ها و تریه ها و متدنه گرفته تا گروه های رنگارنگ راست و چپنا) این بود که:

- ۱- باتمام قوا در جهت تضعیف رهبری امام خمینی در انقلاب عمل کنند؛
- ۲- هر قدر ممکن است نهادهای انقلاب را که به ویژه در این دوره به قلع و قمع و محاکمه و اعدام و محاصره اموال غارتی گردانندگان رژیم گذشته و جنایتکاران سرسپرده در نیروهای انتظامی و ساواک پرداخته بودند تضعیف نمایند؛
- ۳- با جلوگیری از حل مشکلات اساسی، اقتصاد کشور را با فلج روبرو سازند.

سیاست دولت «گام به گام» مهندس بازرگان که در ۲۳ اردیبهشت کرد که در انقلاب شرکت کرده است، این بود که روند گسستن از وابستگی های اقتصادی، نظامی و سیاسی به امریالیسم امریکا را به هر صورت که ممکن است، ترمز کند. این سیاست تا آنجا پیش رفت که دولت لیبرال علیه اعدام جنایت کاران ساواک، علیه محاصره اموال غارتی و بستگان به رژیم سرنگون شده به مخالفت برخاست و در جهت بازگشت سرمایه داران و واکگذاری اعتبارات به آنها و تثبیت قرار نهادهای اسارت آور با امریالیست ها به طور رسمی موضع گیری کرد.

مطبوعات وابسته به امریالیسم و عمال جاگرفته در رادیو و تلویزیون نقش بسیار مهمی را در این توطئه به عهده گرفته بودند - مراسم مطبوعی به مندرجات روزنامه های وابسته مانند آندکان، تهران مصور، امید ایران و نظایر آنها به روشنی این حقایق را تأیید می نماید.

مقامات رسمی امریکا نظر خود را در باره پشتیبانی از دولت بازرگان علیه امام خمینی و روحانیت مبارزی که از خط ضد امریالیستی و خلتی امام خمینی پیروی می کرد، کاملاً آشکارا مطرح می ساختند. همان طور که اسناد و افشاکرئی های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نشان دادند، در این مرحله امریالیسم امریکا و همستانش که هر یک نمایندگان و مدافعین در مقامات حساس کشور ما داشتند، امیدوار بودند به تدریج خط سازشکارانه و تسلیم طلبانه لیبرال های ایران را به خط ضد امریالیستی و خلتی امام خمینی که از طرف قاطبه مردم پشتیبانی می شد، مسلط سازند و از این راه مستون فقرات انقلاب ایران را بکشند. آنها اطمینان داشتند که در صورت موفقیت در این سیاست، بازگرداندن بختیار و اویس و حتی شاه و یا تولعش، تنها کار زمان است و در برابر آن مانع جدی وجود ندارد.

نقطه اوج این مرحله، دیدار بازرگان با برژنسکی، بدون اطلاع امام بود؛ دیداری که درست چند هفته بعد از رهنمودهای کارتر در

یک ستو عناصر گوناگون ضد انقلاب و ضد خلق وابسته به قشرها: مرفه جامعه در وسط و بخشی از عناصر مذهبی گول خورده در سه دیگر، جبهه ضد انقلاب را تشکیل دادند.

پس از پیروزی انقلاب ایران و خیزش مملکت تازه ای که با بر امریالیسم وارد آمد، امریکا و انگلیس و چین و پاکستان تد نیروی خود را در منطقه متوجه دو جبهه نمودند: جبهه انقلاب ایران و جبهه انقلاب افغانستان. در همین مرحله است که نقش خاننا حفیظ الله امین (نوع افغانی امریالیست) در دولت و رهبری انقلاب افغانستان لطمه بسیار سختی به انقلاب افغانستان وارد می آورد متدما دخالت گسترده نظامی را به صورت تجهیز و آموزش گروه ها منظم ضد انقلابی در پاکستان و چین و اجزای منظم آنها را ایجاد کانون های شورش و اغتشاش و خراب کاری، همان طور مادر ایران شاهد آن بودیم، فراهم می سازد.

با کشف خیانت حفیظ الله امین و برکناری او از مرکز قدرت امریکا و هم دستاش بر آن شدند که با مداخله نظامی مستقیم از شک قلمی توطئه ای که سالها برایش تلاش کرده بودند، جلوگیری نمایند. دعوت دولت انقلابی افغانستان از اتحاد شوروی برای اعز واحدهای معدود نظامی، به منظور پیش گیری از اجرای همین توجهنی امریالیست ها.

این واقعت مهم را هم باید یادآوری کرد که امریالیست ها امریکا و انگلیس از نشه چینی خود در افغانستان دو عهد اساسی داشتند. اول این که خود افغانستان را زیر سلطه خود در آورند و آن را مانند ایران دوران طاغوت به پایگاه ضدانقلاب شوروی تبدیل سازند. دوم این که ایران انقلابی را به وسیله وابستگان از طرف احاطه کنند و حاکمه محاصره امریالیستی را از شرق و جنوب غرب به هم پیوند دهند.

ورود واحدهایی از ارتش شوروی بر پایه قرار داد موج بین افغانستان و اتحاد شوروی که طبق موازین بین المللی و اساس سازمان ملل منعقد شده است، تیشه های امریالیسم امریکامعده است؛ را به کلی درهم ریخت. روزه های گوش خراش امریالیسم جهانی هم دستاش در نتیجه ممتد حاکمی که در افغانستان نوحش جان کرده نشان دهنده شدت ضربه ای است که به آنها وارد شده است.

کارتر که پیوسته توطئه های جدیدی برای قتل پرهبران اسلام ایران تدارک می بیند، اکنون به یک بار حامی سوگند خورده از آن در آمده است.

پس از شکست نقشه امریکا، ستاد عملیاتی امریالیسم نقشه جدیدی یا دقیق تر بگوئیم دام جدیدی آماده کرد: دام حیله و تر زیر پوشش دفاع از اسلام و آمادگی برای «درك» انقلاب اسلام ایران، آمادگی برای حمایت از اقدامات کشورهای «مسلما (مصر، پاکستان و عربستان سعودی و البته چین و اسرائیل هم اخیراً مسلمان تر از هر مسلمانی شده اند) آمادگی برای کمک پیروزی اسلام در افغانستان و بدین ترتیب گوشش برای منحن ساختن انقلاب ایران از سمت گیری ضد امریکائی و سوخت دادن علیه افغانستان و شوروی. با امید به تحقق این خدعه است که کار اجزای مجازات های اقتصادی ایران را به عقب می اندازد، عو امریالیسم امریکا به راه می افتند و می کوشند تا بین امریکا و ایمنی گیری کرى کنند، معاملات پشت پرده برای گرفتن گروهگان با ازاء مطالعه درباره تسلیم شاه به ایران آغاز می شود، سازشکاران تسلیم طلبان میدان داری می کنند و سیاست مداران بی تجربه ای به چاله می افتند و گول این حیله گری ها را میخورند. ولی نقشه های جنایت کارانه امریالیست ها علیه ایران کوچکترین تقصیر حاصل نمی شود. تمرکز نیروهای نظامی امریکا در منطقه با شدت ا می یابد، امریکائی می کوشند جهان امریالیستی را علیه کشور سوسیالیستی و کشورهای ضد امریالیستی تجهیز کنند.

در ایران تبلیغات علیه اتحاد شوروی و حتی علیه کشور عربی عضو «جبهه پایداری» و جبهه آزادی بخش فلسطین به اوج می رسد و «دلایل» امریالیستی برای برقراری مجدد مناد اقتصادی با امریالیسم و حتی خرید بندقه های امریکا به می افتند... امریکا با احساس پشتیبانی از سوی دولت ایران امید می شود که این بار با حیله به باز گرفتن کام به گام گردگان ها م خواهد شد و راه را برای عملی ساختن همان سیاست که در دوران، کام به گام لیبرالها تمهیب می شد، هموار خواهد ساخت.

حزب توده ایران با وجودی که مورد هجوم بی سابقه از همه آن نیروهای قرار گرفت که در این نقشه دست داشتند و دام حیله و تزویر امریالیسم افتاده بودند، تقریباً تنها سازمانی که این نقشه های خطرناک را افشا کرد و خطرات آن را نشان این بار هم مقاومت و استواری نیروهای بی گبر و پایدار و پشتیبان خط امام و درایت و شناخت سیاسی امام خمینی ت خطرناک امریالیست ها در نقش بر آب ساخت.

مخالفت امام با نقشه محیاله بیرون کشیدن گردگانها از دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی امریکا، بدون گرفتن کوچک امتیاز ملموس و مشخص و روشن، ماهیت پلید امریالیسم ام را رسوا ساخت. امریکا تصمیم گرفت پیش از آن که شکایت علیه محمدرضا به محاکمه پاناما داده شود شاه را عیولانه از زیر، خارج سازد و او را به جای امنی نزد هم پالکاش سادات بشر با وجود این افتضاح، امریالیسم امریکا به موازات نشر تسریع کار تدارک حمله نظامی به طیس نامه محیاله و بر آن را به امام نوشت، به این امید که شاید این تیر به هدف برسد.

تجاوز آشکار امریالیسم امریکا

پاسلی دردناکی که امام خمینی با انتشار نامه کارتر و ارز خود از این نامه به صورت این دغل کاران جهانی نوشت، سر امریالیسم جهانی نسبت به انقلاب ایران وارد مرحله قلمی خود شد. امریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا که هرگز دیگری جز درم شکستن انقلاب ایران، در همین ابعاد کنونی نداشته است، پس از آن که همه نقشه های مزورانه و حیله گرا با شکست روبرو شد، آخرین تیر ترکی خود را بیرون کش آن تجاوز علیه انقلاب ایران است.

امریالیسم امریکا از همان ماه های آخر حکومت طا که دیگر مسلم شده بود آن رژیم رانمی توان حفظ کرد. نقشه تجاوزی را طراحی کرده به تدارک اجرای آن پرداخته بود

باره اقدامات ضروری برای تضعیف و شکست انقلاب ایران که به وسیله برژنسکی به وزارت خارجه امریکا ابلاغ شده انجام گرفت و مسلماً جزئی از آن نقشه بود. متأسفانه مردم ایران هنوز هم از محتوای مذاکراتی که در این دیدار بسیار مهم انجام گرفت، هیچ گونه اطلاعی در دست ندارند.

در هر صورت نیروهای انقلابی پیرو و پشتیبان امام خمینی با احساس خطر عظیمی که انقلاب ایران را تهدید می کرد، ابتکار عمل را بدست گرفتند و با اطمینان این که امریالیسم امریکا، در عین تلاش برای جاب نیروهای معینی از مستگاه حاکمه ایران، همه متدعات ضرور برای درهم شکستن انقلاب ایران را تدارک می بیند و مرکزین تدارک و توطئه در سفارتخانه آن کشور جای گرفته است، به اشغال جاسوسخانه شیطان بزرگ پرداختند. این اقدام تاریخی که بلافاصله مورد تأیید رهبر انقلاب و همبندروهای راستین هوادار انقلاب و منجمله حزب توده ایران قرار گرفت، تأثیر تاریخی در تحول مناسبات ایران با جهان امریالیستی و در جهت تقویت و تعمیق خصلت ضد امریالیستی و خلتی انقلاب ایران ایفا نمود.

امپریالیسم چهره خشن و تجاوز کار خود را نشان می دهد

این اقدام جورانه و انقلابی، تمام حساب های امریالیسم امریکا را درهم ریخت و او را وادار ساخت که چهره پلید و خشن سیاست خود را آشکارتر سازد. امریالیسم امریکا به حمله وسیعی علیه ایران دست زد، نزدیک ۸ میلیارد دلار سیردهای بانکی ایران را توقیف کرد و کوشید تا شورای امنیت را به محاصره اقتصادی ایران وادار کند. ولی این کوشش، اگر چه، از طرف تمام همستان غربی امریکا همه جانبه پشتیبانی شد و توانست ۱۰ رای از ۱۴ رای شورا را جلب کند (نماینده چین مزورانه از شرکت در جلسه خودداری کرد) برائرتوتی اتحاد شوروی به موقفت نرسید.

تدارک فشار نظامی با تمرکز وسیع نیروهای دریایی در آبهای ساحلی ایران آغاز گردید. به طوری که پس از تجاوز نظامی امریکا به منطقه طیس فاش شد، تدارک این کار هم از همان مامونامیر، یعنی پس از اشغال سفارت امریکا آغاز شده بود.

در همین مرحله است که فعالیت های خراب کارانه در خوزستان، تحریک بر خوردهای منجر به برادر کشی میان نیروهای نظامی و مردم کردستان و مهم تر از همه تجهیز نیروهای ضد انقلاب برای آشوب در سراسر ایران، به طور بی سابقه ای شدت پیدا می کند و ما شاهد فعالیت های وسیع حزب جمهوری خلق مسلمان هستیم که معلوم شده نه هودادار جمهوری، نه هودادار خلق و نه هودادار اسلام است، بلکه صاف و ساده عامل کالان سرمایه داران وابسته به امریالیسم و دارو دسته بختیار و پالیزبان می باشد.

جانب این است که همین عوامل امریکا در داخل و خارج دستگاه دولتی که در جهت اجرای دستورهای برژنسکی در زمینه تشدید تحریکات علیه شوروی عمل می کردند، کوشیدند حتی این اقدامات حزب وابسته به امریالیسم امریکا، حزب جمهوری خلق مسلمان را به حساب حزب توده ایران بگذرانند. همان حزب که تمام این تحریکات را از همان آغاز، میسه و نقشه امریکا اعلام کرده بود. شکست توطئه حزب خلق مسلمان در آذربایجان هم به نوبه خود ضربه دیگری به سیاست امریکا در ایران وارد ساخت. باین همه در نقشه اصلی امریکا برای درم شکستن انقلاب ایران تغییری پیدا نشد.

تزویر در ارتباط با رویدادهای افغانستان

مدتها پیش از انقلاب ایران، یعنی از همان فردای پیروزی انقلاب ضد امریالیستی و دموکراتیک خلق افغانستان، امریالیست های امریکایی و همستان انگلیسی و چینی و پاکستانی شان بر آن شدند که انقلاب افغانستان را با شکست روبرو سازند. انقلاب افغانستان که توطئه های تجاوز کارانه و سلطه غارتگرانه امریالیست ها در گوشه ای از این مهم ترین منافع استراتژیک جهان امریالیستی، به خطر می انداخت مانند خرابی در حسم دشمنان خلق های جهان فرو رفته بود.

امریکا، انگلیس، چین و پاکستان و محمدرضای خائن بر آن شدند که از یک سو فؤدال های سلط مالکیت شده افغانی و نیز افرادی نظیر اویسی ها، پالیزبان ها و ازارهای ها، دارو دسته هایسی مانند دارو دسته شعبان بی مخ و حزب جمهوری خلق مسلمان، حادثه جویانی از قماش کومه و چپناها و مائوئیست ها و تروتسکیست ها و کلیه مرتجعین میهن فروش و روشنفکران آریامهبری را که نمونه های پتان در افغانستان نیز یافت می شوند، علیه انقلاب افغانستان متشکل سازند و از سوی دیگر عناصری نظیر امریالیست ها را که از دیر زمانی در داخل نیروهای دموکراتیک و خلتی جا زده بودند، به کار اندازند، تا انقلاب خلق افغانستان را به ناکامی بکشانند.

خند انقلاب از همان آغاز فعالیت و سازماندهی علیه انقلاب افغانستان، به یک عامل عمده دیگر که توجه داشت و آن برانگیختن احساسات مذهبی توده های ناکگاه افغانستان، به ویژه دهقانان خنابر، علیه انقلاب بود.

به این ترتیب طیف پهنآوری از ارتجاعی ترین و جنایت کارترین عناصر وابسته به امریالیسم و رژیم های محمد ظاهر شاه و داودخان در

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم

جهانی خود را علیه انقلاب ما به راه انداخته است

با برنامه ریزی صحیح به این وضع آشفته خاتمه دهید

مشاوران شرکت واحد تا کنون برنامه دقیقی برای استفاده صحیح از امکانات موجود تنظیم نکرده اند.

بظرف میسر عدم ادراک افراد که موافق مکانی و موصوفی در وسائط حمل و نقل شهری وجایجا کردن مسافران از آن طریق باشند ، حتی در سطح مسئولان شرکت بسیار کم است.

گر چه تصمیم شورای انقلاب در مورد استفاده از وسائط نقلیه دولتی بسیار خوب و بجا بود و امکان می داد که این وسائط در اختیار عموم باشند ، ولی این بربرنامه و سهل-اتنادها ، این خطر را بوجود آورد که بزرگی از بین برود ، و باین جهت تاکید شد بر این ادارات ، وسائط نقلیه در حدی که در حال حاضر رانندگان اتوبوسهای ادارات را که لازم در قبایل اداره مربوطه مستلزمی برای نگهداری وسیله باشند ، به یاد دیگری میگرداند و وسایل را به شخص ثالثی میسازند.

در سیر راهها باجه بلیط فروشی و تابلو لازم وجود ندارد . توزیع وسائط نقلیه در سطح شهر بدون حساب و برنامه است . برای مثال : در خط زنجان-

طرح تری - در آن تر که با دو مینیبوس اداره میشود ، حدود ده الی یازده مینیبوس به کار گرفته شده است ، که اغلب بیکارند ، ولی در خطوط دیگری که مسافران زیاد است ، وسیله بسیار کم است . چنانچه بوسیله همین وسایل بروند و فکر صحیح و ملاحظه باینکه برای صحیح و افراد دلسوز بمرحله اجرا در نیاید ، طرح باربران اداری دچار شکست خواهد شد .

بایستی هر چه زودتر دست افراد ناپاب را از این کار ممانعت کرد و حسابرسی آگاه و مردمی از خود مردم به کار گرفته شوند . برای فروش بلیط و راهنمایی لازم وسیله تابلوهای مخصوص و همچنین توزیع وسائط نقلیه با توجه به نیاز احتیاج هر منطقه و هر محل ، و گماردن نظارتین دلسوز ، اقدام لازم بعمل آید تا طرح موفق شود .

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه مردم در نظر دارد عکسهای تمام مبارزان را که در دوران سلطنت تکنیک و منور خاندان بولوی در راه آرمان های ملی و میهنی و آستان خود به شهادت رسیده اند ، جمع آوری کند . از همه مین دوستان و آزادیخواهان تقاضا می شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند ، به دفتر نامه مردم ، مراجعه کنند .

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها، یانیه ها و...) منتشر در نامه مردم از گران مرکز حزب توده ایران را ، با استفاده از تمام امکانات ، بوسیله ترین شکل تکثیر کنند و به توده های مردم برسانند . در شرایط خاص کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است

باید بسوی بخش های دیگر این انقلاب جهانی شد امریالیستی که پشتیبان واقعی و بالفعل و بالقوه انقلاب ما هستند ، دست دوستی و همکاری دراز کند . ماهواره تاکید کرده ایم که جهه جهانی ضد امریالیستی از سه بخش عمده و پایه ای تشکیل میگردد . این سه بخش عبارتند از اول ، کشورهای سوسیالیستی که در آن ها توده های مردم به رهبری طبقه کارگر قدرت دولتی را در دست گرفته و به استثمار و غارت سرمایه داری پایان داده اند ؛ دوم ، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری رشد یافته که علیه سرمایه داری اختصاری کشور خود و برای برانداختن غارت سرمایه داری ، در راه ایجاد جامعه سوسیالیستی در نبردند و سوم ، جنبش های رهایی بخش ملی در کشورهای زیر سلطه امریالیسم ، اعم از آن ها که با تیرد انقلابی خود قدرت دولتی را بدست آورده در راه تامین استقلال همه جانبه در تلاشند و یا آن ها که هنوز در راه بدست آوردن استقلال سیاسی مبارزه می کنند . این ها هستند دوستان واقعی انقلاب ضد امریالیستی و خلقی مردم ایران ، وابستگان به امریالیسم امریکا ، ساواکی ها و سایر نیروهای ضد انقلاب ، بورژوازی لیبرال که نماینده سرمایه داری بزرگ ایران است و کلیه ضد کنونیست های رنگارنگ ، اعم از راست افراطی و چپ افراطی و یا عناصر دمکرات ، تمامی نیروی خود را برای لوث کردن این واقعیت به کار انداختند و هنوز هم از این کار خسته نشده اند . عناصر این لطف ناهمگون ، عملا در جهت واحدی تلاش می کنند و آن تضعیف جهه ضد امریالیستی جهانی ، ایجاد نقایض و دو سنگی نه تنها در میان نیروهای راستین و وفادار به انقلاب در ایران ، بلکه میان انقلاب ایران و پشتیبانان آن در سخته جهانی . ما می دانیم که این طبقه ناهمگون است و در کنار گروه ها و عناصر شناخته شده ضد انقلاب ، گروه ها و عناصر گمراهی که در میان نیروهای ضد امریالیستی و خلقی میهن ما هستند قرار دارند و ما متأسفیم که این نیروها مانند همان کسی عمل می کنند که خود روی شاخ نشسته و بین می برد .

انتشار یادداشت برژسکی به وزیر خارجه امریکا در باره سیاست و اقدامات تحریک آمیز علیه انقلاب ایران که از طرف آقای بنی صدر ، رئیس جمهور منتشر گردید ، ماهیت تمام این تلاش های تبلیغاتی و سیاسی را که بر بخش عمده ای از تبلیغات دولتی و رادیو و تلویزیون هم حکومت می کند ، نشان داد . برژسکی از طرف کارتر به وزارت خارجه و سیاستور می دهد که بگویند تا سوظن بین ایران و افغانستان (البته مقصود در درجه اول اقتصاد شوروی و افغانستان است) هر چه ممکن است شدیدتر کنند .

عمل حزب توده ایران ، علی رغم همه دشمنی ها ، در جهت خنثی کردن این دستور شیطان بزرگ علیه انقلاب ایران بوده و هست اگر عمل برخی مقامات مسئول دولتی و شورای انقلاب و رسانه های گروهی و گروه های سیاسی از راست راست تا چپ چپ را در همین چهارچوب مورد بررسی قرار دهیم ، مسلما رسیاهی به دنبال های باقی خواهد ماند که می خواهند خود را سفیدتر از برف جا بزنند .

رویدادهای اخیر نشان داد که «تئوری» زنگنه سازش بین «دوای قدرت» که رهبران خان چین چندسال پیش روایج دادند و اکنون در جهان هم چون سکه قلب بی اعتبار شده است ، در ایران هم نمی تواند برای خودی خود بماند . زندگی نشان داد که تنها کشورهای سوسیالیستی ، از شوروی و اروپای شرقی گرفته تا ویتنام و کوبا و کره و نیز کشورهای که بخشی از آن ها ست گیری قاطع ضد امریالیستی و خلقی و بخشی دیگر ست گیری سوسیالیستی را بزرگتر می دانند و جهان سوسیالیستی مناسبات دوستانه و همکاری نزدیک دارند (مانند آنگولا ، موزامبیک ، کینه بیسائو ، اتیوپی ، جمهوری دموکراتیک یمن ، افغانستان ، الجزایر و سوریه) و جنبش های اسبیل رهایی بخش که عملا در جهه مبارزه علیه امریالیسم قرار دارند ، دوستان و پشتیبانان واقعی انقلاب ایرانند و حاضرند برای شکستن توطئه های رنگارنگ امریالیست ها بمرکز گردگی شیطان بزرگ ، همه جانبه به ایران کمک نمایند .

چهارمین نتیجه گیری آموزنده برای آن دسته از مبارزان جوان است که دچار گمراهی شده و به دنبال نارویدتهای افراطی چه نما افتاده اند ، این جوانان با شرکت در توطئه ها و اقدامات تحریک آمیز گردانندگان این گروه ها به خیال خود به انقلاب ایران خدمت می کنند ، ولی در واقع در دست شد انقلاب ، به بازی گرفته شده اند .

آنان برداشت خود را تا بحال بر پایه لاطالاتی از این قبیل قرار داده اند ، که گویا انقلاب ایران اساسا انقلاب نیست ، و همه جریاناتی که در ایران روی داده ، بازی های رنگارنگ امریالیسم است و اشغال جاسوس خانه توی یک بازی برای منحرف کردن توده ها از مبارزات انقلابی بوده و یا این که هرکس علیه رژیم کنونی ، «قیام» کند ، انقلابی است و باید از «قیام» او پشتیبانی کرد . این جوانان ، خوب است رویدادهای اخیر را یک بار دیگر ، بدون پیش داوری ، مورد توجه قرار دهند . آیا در این صورت به این نتیجه نخواهند رسید که همه «ارزیابی» های که گردانندگان این گروه ها به خورد آنان داده اند ، درست در جهت همان رهنمودهای برژسکی به وزارت خارجه امریکا و سیا در زمینه درهم شکستن «همین انقلاب ایران» در جهت تدارک زمینه برای وارد آوردن ضربه نهایی نظامی امریکا به انقلاب ایران قرار دارد ؟ آیا هنوز می توانند تردید کنند که همین چهار چوب کنونی انقلاب ایران با همه نارسایی ها و کمبودهایش برای امریالیسم جهانخواه غیر قابل تحمل است و در نتیجه هسر اقدام که عملا انقلاب ایران را در همین چهار چوبش منیفاتر و ناتوانتر سازد ، آبی است که به آسیاب امریالیسم و ضد انقلاب آریامهری - بختیاری ریخته می شود ؟

صحنه رویدادهای پانزده ماه گذشته انقلاب ایران ، دانشگاهی برای مبارزان راستین راه خلق به وجود آورده است . جای آن دارد که همه مبارزان راستین انقلاب ضد امریالیستی و خلقی ، اعم از رهبران و افراد ساده این جهه نبرد ، در این دانشگاه بیاوموزیم و ارزیابی های نادرست خود را بر پایه میاهای نوین تصحیح نمایند . تنها از این راه می توان بسوی اتحاد و تقاضا همه نیروها در جهه متحد خلق کام برداشت ، جهه ای که در آن ، طبق رهنمود امام خمینی ، پیروان همه مملکت ها گرد هم آیند و بر پایه برنامه مشترک ، نبرد دراز مدت علیه توطئه های بی شمار امریالیسم جهانی را سازمان دهند .

حزب توده ایران از همان فریاد پیروزی انقلاب ، در اولین ارزیابی و تحلیل خود از انقلاب آینده آن به درستی پیش بینی کرد که امریالیسم امریکا با پشتیبانی همه کشورهای امریالیستی تمام نیروی خود را برای تکام ساختن این پیروزی تاریخی مردم ایران به کار خواهد انداخت .

حزب توده ایران علی رغم نارساها و اتهامات کوتاه نظریانه گروه های چپ گرا و انقلابی نماند که مدعی شدند انقلاب ایران با شکست روبرو شده است ، در ارزیابی خود بر آن بود که انقلاب ایران با وجود همه کمبودها و نواقص و نارسایی های انقلابی است عینا خلقی و ضد امریالیستی ، ضربه های کاری و مهلک بر پیکر امریالیسم جهانی در یکی از مهم ترین و شاید مهم ترین منطقه استراتژیک برای امریالیسم .

حزب توده ایران بر پایه همین ارزیابی به این نتیجه رسید که امریالیست ها برای تکام ساختن انقلاب ایران ، در همین اعراض ، تمام امکانات خود را به کار خواهند انداخت و برای سر برداشتن نیروهای ضد انقلاب و آماده ساختن آنان به منظور وارد آوردن ضربه کاری از تمام راه ها و شیوه های ممکن استفاده خواهند کرد .

در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که چند روز پس از پیروزی انتشار یافت و در روزنامه کیهان مورخه ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ منمکس گردید اعلام شد که ۱۳۵ نفر از کارشناسان خراب کاری و توطئه و ابست به «سیا» با گذرنامه های جعلی از کشورهای اروپای غربی برای سازماندهی ضد انقلاب ، ساواکی ها و افسران سربریده برای فرار دادن جاسوسان شناخته شده امریالیست ها مانند بختیار و مجیدی و تریه و مقدم و نظایر آنان به ایران اعزام شده اند . تجربه زندگی درستی این اطلاعیه مهم و بیدارباش حزب ما را نشان داد . تجربه این را هم نشان داد که آن سیاستمدارانی که حزب ما را به تحریک علیه امریکای متهم می کردند و مدعی بودند که امریکای انقلاب ایران را درک کرده ، خواستار برقراری روابط دوستانه با انقلاب ایران است ؛ یا سیاستمداران ترمیمگین ، یا سازشکاران درمان - ناپذیری بودند و یا مانند امیرالمنظماها و دریادار علوی ها و نژیها و مقدم مراغه ای ها و یاران شان که مسلما هنوز هم در مهم ترین مقامات سیاسی و نظامی جا دارند ، مامورین خائن قدرت های امریالیستی و در درجه اول امریالیسم امریکا بوده اند .

دومین نتیجه ناشی از این مرحله سیاست امریکا ، شکست نظریه هواداران وجود یک «نیروی سوم» در جهان کنونی در سیامی اروپای غربی و ژاپن و برخی کشورهای دیگر بود که گویا علیه «دوایسر قدرت» مبارزه می کنند .

حزب توده ایران هواره در طول این پانزده ماه در تمام تحلیل ها و موضع گیری های سیاسی اش از این واقعیت دفاع کرد که دشمن اصلی ایران مجموعه اردوگاه امریالیستی است . این ارزیابی حزب ما هم کاملا درست از آب در آمد . بودند و هنوز هستند عناصری که در مقامات مسئول جمهوری اسلامی که در عین شناخت امریکا به مناب دشمن اصلی ، خیال می کردند و شاید هنوز هم خیال میکنند که کشورهای امریالیستی اروپای غربی و ژاپن به دنبال امریکای خواهند رفت و از «زیادتهای» سیاست امریکا پشتیبانی نخواهند کرد . حساب این سیاستمداران هم به کلی نادرست از آب در آمد . آن ها حساب می کردند که چون اروپای غربی و ژاپن از امریکا پشتیبانی نخواهند کرد ، امریکاجرئت اقدامات شدیدک جانبه علیه ایران نخواهد داشت . خوش باوری و خوش خیالی و سیاست «آسوده بخوابید» ، محصول همین ارزیابی نادرست سیاسی بود .

ولی ارزیابی حزب توده ایران این بود که انقلاب ایران امریالیسم جهانی را در مجموعه اش با خطری جدی روبرو کرده است . منطقه کشور ما ، هم از لحاظ ذخایر عظیم نفتی و هم از لحاظ موقعیت سوق الجیشی برای امریالیسم جهانی دارای اهمیت حیاتی است . امریالیسم جهانی از هر اقدام حیاتی امیز سر کرده خود ، یعنی ایالات متحده امریکا ، برای برقراری مجدد سلطه شوم خود بر این منطقه ، پشتیبانی خواهد کرد .

ارزیابی حزب توده ایران بر این پایه بود که درست است که امریالیسم امریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است ، ولی امریالیسم امریکا سرکرده امریالیسم جهانی است و علی رغم رقابت های که بر سر تنبیه نیروهای غارتی جهان بین امریالیست های اروپای غربی و ژاپن و امریکا وجود دارد و می تواند در دوره های معین و در چارچوب معینی شدت یابد ، این کشورها در عهده ترین مسایل مربوط به استراتژی جهانی امریالیسم یار و پشتیبان بکدیگرند . بهمین جهت انقلاب ما با تمام ندبای امریالیستی و مستبدان و دست نشاندهگان آن روبرو است و این دنیا عبارت است از : ایالات متحده امریکا ، کانادا ، اروپای غربی و ژاپن ، استرالیا و زلاند جدید ، اسرائیل ، آفریقای جنوبی ، کشورهای دست نشانده «جهان سوم» مانند مصر و پاکستان و عربستان سعودی و ... و همچنین چین مائوئیستی که با این جهه جهانی سازش تکنیکی کرده است .

رویدادهای هفته های اخیر درستی این ارزیابی ما را در تمام ابعادش به ثبوت رسانید و بی یابگی و بی مایگی نظریات گمراه کننده در باره وجود یک «نیروی سوم» را یک بار دیگر مورد تنبیه قرار داد .

احترام شکرگرا برای امام خمینی درست بر همین پایه است که علی رغم «تحلیلهای» و گزارش های گوناگون نادرستی که در اختیار ایشان گذاشته میشود ، امام همیشه در حاس ترین لحظات این شناخت درست را پایه رهنمودهای خود قرار داده است که امریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای دشمن اصلی ما است و شیطان بزرگ امریکا به عنوان سرکرده امریالیسم جهانی ابتکار تدارک اقدامات خصمانه علیه ایران را در دست دارد .

سومین نتیجه ای که از مرحله جدید سیاست امریالیسم نسبت به انقلاب ایران بدست می آید ، صحت کامل و بدون تردید ارزیابی حزب ما در باره دوستان واقعی انقلاب ایران در جهان امروزی است . حزب ما اگر چه به علت این ارزیابی درست علمی از راست و «چپ» مورد شدیدترین افتراها و تهمت ها و ناسزاها ی ناخواندانه و فشارهای سیاسی قرار گرفت ، ولی از آن جا که شناخت درست دوست و دشمن را یکی از اصول استراتژی انقلاب ایران می دانند ، بدون پروا ، این حقیقت را مطرح کرد و بایگی روی آن ایستاد که : انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی ضد امریالیستی است و به طور طبیعی

نامه پالیزبان به شام برای تجهیز عشایر «شام پرست» کردستان ای روز مبارک که اصل آن در اختیار ما است و همین روزها منتشر دیده ، روشن ترین دلیل این تدارک دراز مدت است . در تدارک بنفشه است که همان فریاد پیروزی انقلاب ، امریالیسم امریکا مستیاری سایر امریالیست های غربی و ژاپن مسدها نتر از خراب - ران مامور «سیا» را به ایران اعزام می دارد تا ضد انقلاب را سازمان دهند و برای وارد آوردن ضربه ناگهانی در لفظه «موجوه» راه سازند .

در تدارک همین نقشه است که گروه های وابسته به ساواک ، افسران سپرده ارتش و پلیس و ژاندارمری گروه های مخفی خود را آماده سازند . در تدارک همین نقشه است که سازمان های سیاسی مانند پب خلق مسلمان ، کومله ، گروه های چماق دار راست و «چپ» شمارهای دروغین «مذهبی» و یا «ماوراء چپ» مانند قاریج بروینو و وظیفه ای جز تحریک و آشوب و خراب کاری در برابر بد قرار نمی دهند .

در تدارک همین نقشه است که ضد انقلاب و امریالیسم با به کار رفتن همه عناصر مخفی خود در سازمان های سیاسی و گروه های بی تلاش می کنند تا آن جا که ممکن است ، تم نفاق را نه تنها ن مسلمانان و مارکسیست های واقعی پشتیبان انقلاب ایران ، بلکه ن خود گروه های مسلمان متحد حتی میان گروه ها و عناصر شرکت ده در رهبری انقلاب ، بی شانند و همه را به جان هم بیندازند .

در تدارک همین نقشه است که عناصر وابسته به ضد انقلاب داخل امریالیسم که در دستگاه های دولتی مقامات حاس را دارند با ن فتورالها ، سرمایه داران ، خراب کاران و ساواکی ها که در جا حضور دارند ، می کوشند تا چرخ اقتصاد کشور را همه جانبه کنند و باین کار ناخرسندی توده های مردم را دامن زنند و آنان - انقلاب ، روگردان سازند .

سخن کوتاه ، امریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای جهان - یاکتون به مرحله تجاوز آشکار علیه انقلاب ایران گام نهاده به امکانات جهنی خود را برای بازگرداندن رژیم گذشته یا نظیر آن واحیاء مجدد سلطه غارت گرانه خود تجهیز مینماید . درست است که با وجود جهه نیرومند ضد امریالیستی در جهان کشورهای سوسیالیستی سرک عمده آن را تشکیل می دهند ، ایلیسم نمی تواند همه امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی خود کار برد ، ولی معدالت با در نظر گرفتن ضد انقلاب سازمان در داخل کشور و ضعف های ناشی از نارسایی ها و ندانم کاریها مسار طلبی ها و نزدیک بینی های برخی مقامات مسئول ، هنوز ایلیسم امکانات زیادی در اختیار دارد . نباید دشمن را کوچکتر چه هست ، به حساب آورد .

برای درهم شکستن توطئه جهه متحد دشمنان انقلاب باید نیروهای انقلاب را ، علی رغم همه دشواری ها ، پیش داوری ها لاف نظری های سیاسی و مسلکی ، تقویت نمود .

باید انقلاب را در همه زمینه ها ، هم از لحاظ داخلی ، و هم از خارجی مستحکم کرد . باید پشتیبانان راستین انقلاب را در شناخت و با گسترش مناسبات دوستانه بر پایه حقوق برابر با گام برداشت .

ایده دستگاه دولتی و به ویژه نیروهای انتظامی را از عناصر به جهه دشمن پاکسازی کرد ، تنها عناصر آگاه ، استوار و دانه هوادار انقلاب را در مقامات مسئول و حسابی گمارد .

اید ستون پنجم امریالیسم و ضد انقلاب را دقیقا شناسائی کرد و قاطع سرکوب نمود . هر گونه تزلزل و ناپی گیری در این نواد پیامدهای خطرناک و جبران ناپذیر داشته باشد .

بدرجه زودتر در جهت حل مشکلات بزرگ زندگی اجتماعی دبی ، مانند مسئله ارضی ، گرانی ، بیکاری ، بهره انداختن ی اقتصاد ، بالا بردن تولید ، حل مسئله ملی و پایان دادن به جنگ نی گام برداشت و شرایط را برای شرکت هر چه وسیع تر و همه نیروهای خلق در دفاع از انقلاب فراهم آورد .

ون تردید این اقدامات در مجموعه خود ضروری هستند و در انجام این اقدامات ، انقلاب ایران را در این یا آن زمینه پیش گیری های لازم بعمل نیاید ، ضربه بپذیریم سازد .

نه امریالیسم جهانی برای درهم شکستن انقلاب ایران یک با هوس زودکنر و ناشی از سر خوردگی های موقتی نیست ، جهنی دراز مدت است . بایستی برای مقابله با چنین تشنه ای نمونه توطئه های امریالیستی ، چه در ایران و چه در سایر موبد این واقعیت است که امریالیسم هرگز از توطئه این شکست خود دست برنخواهد داشت و هر شکست او را تاجا و تر میسازد .

آموزنده رویدادهای اخیر ایران

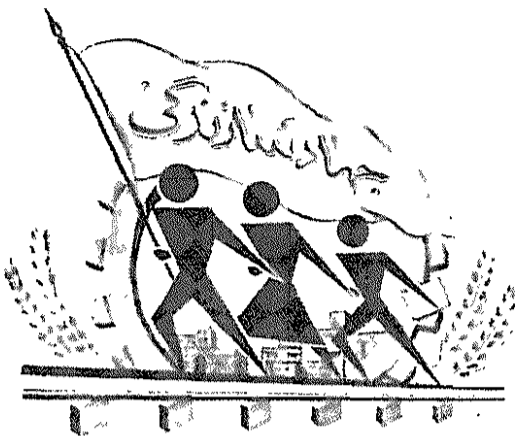
تحلیل کلی که بگذریم ، رویدادهای اخیر که نشان دهنده ماهیت واقعی سیاست امریالیسم نسبت به انقلاب ایران بچ بسیار آموزنده ای را در اختیار همه مبارزان راستین راه آزادی و پیشرفت اجتماعی ایران قرار می دهد .

ن نتیجه بسیار مثبت این مرحله از سیاست امریالیستی ب ایران ، این بود که سیاست سازشکاران را با شکستی و پرو ساخت . مردم ایران دانستند که این سازشکاران ن که چهره کریه امریالیسم امریکا ، یعنی همان شیطان با ماسکی از سمیای فرشته پیوشانندو با بهره گیری از هر انقلاب ایران را از ست اصلی و بنیادی خود که از نظر نام خمینی ، برانداختن کامل سلطه همه جانبه امریالیسم منحرف سازند و این دشمن اصلی را پشت پرده نگهدارند ، خیالی به نام کمونیسم برای انقلاب ایران برشانند . مردم نره ماهی که از انقلاب ایران می گذرد در چند مرحله ن این بودند که چگونه امریالیسم امریکا با کمک و امل خود در هیئت حاکمه و گروه سازشکاران لیبرال بود از زیر ضربه اصلی انقلاب ایران بیرون بکشد و از در رانده شد ، باز کوشید تا از پنجره و حتی راه آب ه خانه سازد .

نیمه اگر برای سازشکاران و تسلیم طلبان غیر منتظره قع بیان در سیاست ایران کاملا طبیعی و قانونمند بود .

ودمو کر اتیک ایران در جنبه متحد خلق

جهاد برای بهرتر زیستن



یک نسخه از هفتمین شماره مجله «پیام انقلاب» از گسار سها پاسداران انقلاب اسلامی اخیراً توسط پاسداران انقلاب به دفتر ناه مهرماه ارسال گردیده. ما ضمن تشکر از ارسال مجله گوشه‌هایی از مطلبی که در این مجله درباره جهاد سازندگی تحت عنوان جهاد برای بهتر زیستن در صفحه ۱۱ درج شده است، عیناً نقل می‌کنیم.

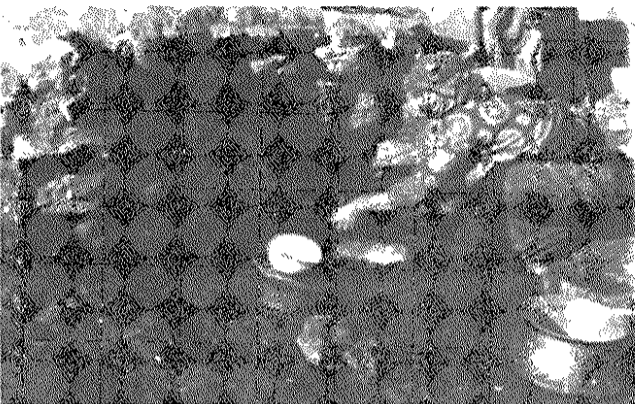
«جهاد سازندگی که یکی از نهادهای انقلابی جامعه است. مقته گذشته با کارنامه پر از اقدام در دوین سال حیات خود گذشت. سال گذشته - در اواخیر خرداد ماه - در آستانه پنجین سها پیروزی انقلاب اسلامی ایران - با پیام تاریخی امام خمینی، جهاد سازندگی کار خود را - بمسند جوانان مومن و متقدم - در سراسر کشور آغاز کرد.

نگاهی به کارنامه یکساله جهاد روشنگر این واقعیت است که علیرغم همه مشکلات و کمبودهای مالی و فنی، آنجا که دستمایسمیانه در هم فشرده شده، می‌تواند حتی کوه‌ها را جیجا کند. کمالاتی که جهاد سازندگی در

نغز بزرگ مالکی خواست زحمتکشان گنه‌دار است

دنیامنع در آدم مینی بوسی است که آنها به علت فقدان سوخت از کار افتاده، خدا کند هر چه زودتر صلح به کردستان بازگردد.

فقدان امکانات درمانی موجب ابتلاء بیشتر اهالی گنه‌دار به بیماریهای زمین چون سل و تراسم شده است.



در این چشمه هم لباسها شسته میشوند و هم از آب آن برای آشامیدن و مصارف دیگر استفاده میشود (روستای گنه‌دار)

از این چشمه استفاده می‌کنیم. وقتی هم که باران می‌بارد این چشمه گل آلود می‌شود ولی بازم ناچاریم از آن استفاده کنیم. از شما میخواهیم که خواست ناچیز ما را بکشوی مسئولین برسانید.

در گنه‌دار روستاهای مجاور آن خانه

به روستای گنه‌دار می‌رویم. روستایی که در آنجا صلح و خوشبختی و زمین آرزوی زحمتکشان شده است. آرزوی که بحق است و گرانی، روستای گنه‌دار به ۲۵ خانواد و جمعیتی برابر ۲۰۴۱ نفر در ۳۳ کیلومتری مهاجد واقع است. حداکثر زمین زراعتی در این روستا به ۲۵۵ هکتار می‌رسد. از ۲۵ خانوار ساکن در گنه‌دار، ۱۳ خانوار پس‌زمین و بقیه زمین هستند. دیمی بودن زمینهای زیر کشت و پائین بودن سطح بارندگی سالانه و فقدان وسایل مدرن کشاورزی عامل میزان کم محصول به شمار می‌آید که این خود خسا نواده‌های تهر دست را برای امراد ماسان راهی کرده‌اند. خانه‌های تهر نیز، ارومیه و مهاجد کرده است. آزوبی دیگر این امر موجب محرومیت فرزندان آن‌ان از تحصیل شده است. علاوه بر این معاصره اقتصادی و فقدان سوخت برای ماشین‌آلات کشاورزی به مشکلات دهقانان از زرد می‌کنند.

اهالی این روستا از کلیه امکانات، اعم از امکانات اقتصادی، رفاهی، بهداشتی و غیره بی‌بهره‌اند.

روستائیان آب آشامیدنی خود را از تنها چشمه موجود در این روستا تأمین میکنند.

در صحبت‌هایمان با روستائیان به نواقص و کمبود زیادی در این روستا پی می‌رییم. یکی از آنها بیمایکت، ... آقا باور کنید برای تمام کارهای خانه، رختشویی و آب خوردن، فقط

در صد مراحجه کنندگان بهماستان سل ۱۰ هه‌بار در روستائیان این منطقه تشکیل میدهند. خانه‌های اهالی اکثر اکلی است که بهنگام زمستان خطر ریزش آن‌ان روستائیان را تهدید میکند.

یکی از اهالی میگوید: ... زمین که ندارم. خانواده ام هشت نفر هستند که تنها منبع درآمد منی بوس است. که آنهم به دلیل فقدان سوخت از کار افتاده و الان حدود یک ماه است که بکارم. آخر کسی به این وضع رسیدگی میکند؟ خدا کند هر چه زودتر صلح به کردستان باز گردد... وی آنگاه ادامه میدهد: نزدیک به دو سال است که از طرف اهالی روستا مبلغ ۱۷۶۰۰ تومان به منظور تأمین برق بهاداره برق منطقه پرداخت شده، لیکن تاکنون در این مورد اقدامی صورت نگرفته است. زنان گنه‌دار هم راه‌های درآمد در فعالیت تولیدی شرکت میکنند و بیشتر وقت خود را به تهیه سوخت برای مصرف زمستان می‌گذرانند. اهالی به دلیل نبودن امکانات از کود حیوانی استفاده می‌کنند و همین امر خود عاملی در جهت شیوع بیماری و آلودگی محیط است. یکی دیگر از کارهای زنان روستا، دوختن و سوزاندن تهر است. های دامی به منظور فروش در شهر است که منبع درآمد اکثر خانوادهای روستائی را تشکیل میدهد.

باور کلی دیمی بودن آراضی زیر کشت و عدم کفایت آب باران و وسایل مدرن کشاورزی در نتیجه کمبود محصول است. روستائیون روز افزون بیماریهای دامی و فقدان امکانات بهداشتی عامل مهم و بسیار مؤثری است در فلج شدن اقتصاد کشاورزی این روستا. مقامات مسئول باید با تحقق بخشیدن خواسته‌های روستائیان کرد و پایا ندادن به معمر و متهما، آن‌ان را در اتحاد با دیگر خلق‌های کشور مان علیه امر - با لیم جهانی بس کردگی امر - با لیم امریکا و نیز قطع ریشه‌های بزرگ مالکی بسج کنند.

پاسداری از خرمن‌ها و وظیفه ملی و انقلابی است

بزرگ مالکان «آبندان» از دهقانان شکایت کردند!

از روستای «شب آبندان» از توابع جویبار قائم شهر خیر میرسد که: شوداهای اطراف «شکایت به دفتر امام برده‌اند که دهقانان «مانع» از کشت محصول آنان میشوند! جریان از این قرار است که مالک ده که صاحب ۱۵۰ هکتار زمین است بعداد تقسیم زمینها دست به خرابکاری میزند از جمله: نس باغها را میراشد، خانه دهقانان را خراب می‌کند، برق روستا را قطع میکند و... یکی از دهقانان می‌کفت: «با ما باید انتقام ظلم و تجاوز را بگیریم و به این شوداها نشان بدمیم که دوه آنها سر آمده اسند»

روستا دارای شورایی است که کلیه امور آن زیر نظر شوردا است. وقایع این روستا بار دیگر هشدارهای مکرر ما را مینی بر ضرورت کوتاه نمودن هر چه زودتر دست بزرگ مالکان، از روستاهای کشورمان، تأیسی کند.

تأمین کار برای بیکاران از نخستین وظایف دولت انقلاب است

بهرای خیر رسیده از محله و روستائیان همایون شهر، دونشاس خرمنهای جو را به آتش می‌کشند و متواری میشوند. اهالی محل پس از اطلاع، موضوع را به آتش نشانی خبری... دهنند. لیکن مسئول آتش نشانی پاسخ می‌دهد که ما همین در محل نیست. پس از تماسهای مکرر سرانجام متسین اطفاء حریق به محصل میرسد، و مامورین آماده برای خاموش کردن آتش میشوند ولی در این هنگام مامورین با کمال «حجب» متوجه میشوند که آب در ماشین نیست!

سها پاسداران بعنوان يك نهاد انقلابی باید در حفاظت از خرمنها بکوشد و مانع نمائینهای تخریبی شد انقلاب شود.

اخبار دهقانی

که بودها را بر طرف کنید

ده زرده یکی از روستاهای بخش کردن از توابع اسلام‌آباد کرمانشاه است. دهقانان تپیدست این روستا که از ظلم و ستم مالکان کاسه صبرشان لریز شده بود اقدام به تنظیم شکایتنامه مستجمعی کردند. سہترین خواست دهقانان که در این شکایتنامه آمده، واگذاری زمینهای بایر و باقی‌مانده مالکان به دهقانان تپیدست است. تأسیس درمانگاه، برق کشی و لوکه کشی روستا، ایجاد حمام و سایر امکانات رفاهی خواسته‌های دیگر این دهقانان ستم کشیده را تشکیل می‌دهند.

سها در این سوختاوه و نفاقانی بین اهل تسنن و اهل تشیع، ضد انقلاب توانسته است نشان‌های موجود را عمده کرده و در میان دهقانان بدبینی و یاس نسبت به جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند.

سراب نیلوفر در انتظار رهائی از قید بزرگ مالکی

سراب نیلوفر یکی از روستاهای کرمانشاه است که ۴۵ خانوار را در خود جای داده است. روستائیان زحمتکش این روستا بدمات شکایتنامه‌های مستجمعی تنظیم و در آن خواسته‌های خویش را مطرح ساخته‌اند. خواست اساسی دهقانان تپیدست سراب نیلوفر لغو مالکیت بزرگ مالکان است. این دهقانان خواسته‌های دیگری نیز دارند که عبارتند از: ایجاد خانه‌های سکونی و برق کشی و لوکه کشی روستا.

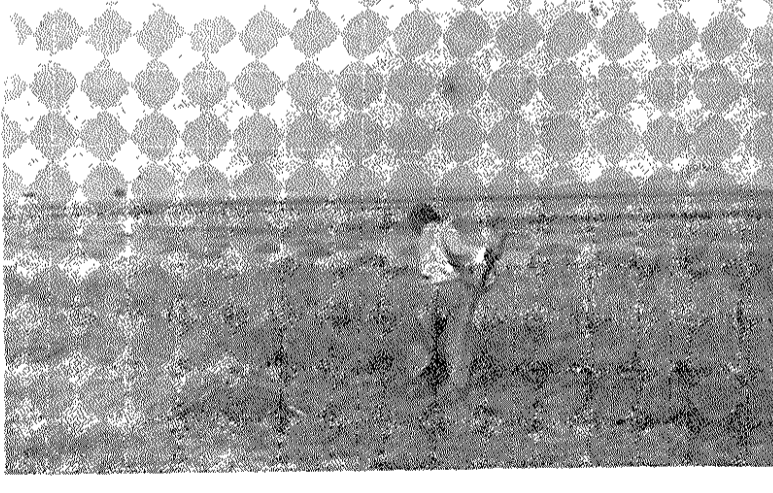
سها در این دوستا يك مرغداری وجود دارد که از پنج ماه پیش تعطیل شده است. این مرغداری ۳۲ آشیانه دارد. مرغداری مذکور بنام مشترک اهالی تحت نظارت اتحادیه است. خواست دیگر دهقانان سراب نیلوفر تجدید فعالیت این مرغداری است. با واگذاری زمین به دهقانان تهر دست و ناقدمات بنیادی به نفع زحمتکشان باید آن‌ان را از وجود بندهای اسارت بزرگ مالکی رها کند. این کار با اجرای قانون و قاطعیت در انقاي بزرگ مالکی و تشویق عملی کار تعاونی مرغداری کلا ممکن است.

گذری به روستا

روستای «تنگ خیاره» بوسیله دو جاده خاکی (یکی به جاده شیراز - یاسوج و دیگری جاده شیراز - عروشد) بشهر شیراز ارتباط می‌یابد. این ۴ جاده حتی از اصول ابتدائی جاده‌سازی بسیار دور است و در برخی نقاط، رودخانه از وسط جاده عبور میکند و در نتیجه اکثر احوال زمستانها رفت‌وآمد بشهر مختل میشود. تنگ خیاره سابقاً یکی از پرجمعیت‌ترین روستاها های منطقه ییفا بوده، (۴۰۰ خانوار) ولی بتدریج اهالی روستا به علت زورگویی مالک بزرگ و عدم درآمد کافی بشهر کوچ کردند و در حال حاضر در این روستا ۲۰ خانوار زندگی میکنند.

وضع اقتصادی روستا

قسمت عمده زمینهای تنگ خیاره، در اختیار مالک بزرگ است. این منطقه اطلاق کرده‌اند، رعایت زمینهای کشت شده دهقانان را زمین آبی دارد. یکی از دهقانان در مورد اصلاحات آرضی می‌گوید: «ما زمینها را به هزار و در سال ۴۱ هکتار بزرگ پارک زانو و زوروجه‌بازی، بهترین زمینهای ده را با مسالاح بین دهقانان تقسیم کرد و بهترین زمینها را به ماسه رسیدم است جوو کند ما می‌چرانند و محصول بقیه در صفحه ۱۰



سالهای متمادی کاروکوش برای دیگران. دیگر بعداد انقلاب نمی‌توانند مداوم پندگی را قبول کرد (روستای احدآباد علیا).

رهائی از بند مالکان خواست طبیعی دهقانان است

مدون کشاورزی از قبیل تراکتور، ماشین ۸۰۰ تن و غیره را در انحصار خود گرفته است. ده با فقدان آب آشامیدنی روپروست. از دیگر مشکلات روستائیان فقدان برق و مدرسه است. بدین خاطر کودکان روستائی بخاطر تحصیل مجبورند مسافت طولانی کیلومتر تا سفی- آباد طی کنند. این مسافت طولانی و مشکلات دیگر موجب میشوند که کودکان روستائی یا اساساً به تحصیل نیردازند و یا بعد از مدتی تحصیل را رها کنند. در این روستا نیز نیاز مبرمی

